

پویش

سال دوم شماره ۱۴

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران (هانوفر)

اطلاعاتی در باره اقدامات دولت آلمان
اسپانیا بر ضد مهاجرین و پناهندگان ۱۵

گوشه ای از شرایط طاقت فرسای زندگی در ایران
از زبان یک کارگر تاسیساتی ۱۱

مراکش: اعتصاب و شورش کارگران و تبعیدستان
۹

ملاحظاتی بر نتایج انتخابات مجلس سراسری آلمان

سرانجام انتخابات " آلمان متحد " در تاریخ دوم دسامبر برگزار شد و همانطور که انتظار میرفت به پیروزی ائتلاف دمکرات مسیحیها (CDU) سوسیال مسیحیها (CSU) و لیبرالها (FDP) انجامید.

جدول شماره یک که با بررسی روزنامه‌های مختلف آلمانی زبان تهیه شده،

۴

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

صفحات ۱۸ تا ۲۱

انتشار اخبار ترورهای جمهوری اسلامی

در مطبوعات ۸

کنفرانس وزرای داخلی آلمان
۱۷

برگزاری اولین کنفرانس قانونی 'کنفرانس ملی آفریقا'
در آفریقای جنوبی

۱۵

مبارزات دهها هزار نفره کارگران

فولاد آلمان ۱۰

پای صحبت یک زن کارگر ۲۲

نامه های رسیده ۲۴

ارشاد رفیقانه



درخواست هواداران جبهه ملی
از دولت جمهوری اسلامی ۱۳

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - زنده باد انقلاب

بر علیه استرداد دستمی و گسترده پناهندگان مبارزه کنیم !

تعداد کتری به دلایل سیاسی کشته می‌شوند و ما به اهالی شورویوسوک نیز پناهندگی سیاسی نمی‌دهیم."

با این توجیبات که البته چیزی جز جعل حقایق نیست تلاش می‌شود تا زمینه ذهنی لازم برای استرداد گسترده و دسته جمعی پناهجویان آساده شده و چنین القا شود که این استرداد امری قطعی و برگشت ناپذیراست. با این حال واقعیت اینست که مبارزه متشکل همه ما جریانات، سازمانها و عناصر فعال در امور پناهندگی با همراهی و مشارکت فعال تسونه پناهندگان می‌تواند مانع عملی شدن این طرح گردد و یا لاقلاً از گستردگی و ابعاد فاجعه بگاهد.

در رابطه با مبارزه متشکل و هدفمند در این زمینه، پیشنهادات مشخصی ما چنین اند:

۱- سازماندهی آکسیونها و فعالیتهای اعتراضی مانند تحصن، راهپیمایی، اعتصاب غذا، نوشتن نامه‌های سرگشاده به مقامات مسئول و جلب حمایت سازمانها و تشکلهای انسان دوست و پر نفوذ نسبت به متن این نامهها و ...

نوع هر آکسیون می‌بایست منطبق با مجموعه شرایط محیط و میزان ارتباطات و نیروی تشکله و فعالین پناهندگی در هر مکان مشخص تعیین شود.

نکته مهم و کلیدی در سازماندهی آکسیونهای اعتراضی، تدارکات و تبلیغات گسترده حول این آکسیونهاست به نحوی که حتی الامکان خیر ایمن اقدامات در مطبوعات و رسانه‌های گروهی آلمان منعکس شود.

بر اساس تجربیات ما در صورتی که این آکسیونها با همکاری تشکلهای فعال آلمانی و ملیتهای دیگر (بویژه ترکها) سازماندهی و برنامه ریزی شوند و در صورتی که بتوان از قبل خبرنگاران مطبوعات و رسانه‌های گروهی آلمان را از وجود این آکسیونها با خبر کرد، امکان موفقیت بیشتر می‌باشد.

۲- در شرایط کنونی اطلاع یافتن از اقدامات دولت در هر استان و فشارها و تضییقات وارد بر پناهندگان در استانهای مختلف آلمان يك نیاز عاجل است. به اعتقاد ما يك راه بسیار موثر در این زمینه متشکل شدن در-

شوراهای پناهندگی (Flüchtlingsrat) هر استان می‌باشد. شورای پناهندگی (Flüchtlingsrat) جمعی است مرکب از نمایندگان تشکله و عناصر آلمانی و غیر آلمانی فعال در امور پناهندگی. شوراهای پناهندگی هر استان جزو تشکلهای فعال، مطلع و با نفوذ پناهندگی می‌باشند. این شوراهای چه با یکدیگر و چه با سازمانها و نهادهای انسان-

توده پناهندگان را به مبارزه متشکل بر علیه این سیاستها دعوت کردیم. اینک در آستانه سال ۹۱ شرایط و زمینه‌های جدی برای اخراجهای دست جمعی آندسته از پناهجویانی که تقاضای پناهندگیشان رد شده، فراهم شده است، و آنچه که تا دیروز به دیده شك و تردید نگریسته می‌شد، مرود تا به واقعیتی هولناك بدل گردد.

تا قبل از به عمل در آمدن قانون جدید خارجیا، رسیدگی به امور و بررسی مسئله استرداد و یا عدم استرداد پناهجویانی که تقاضای پناهندگیشان بطور قطعی (۱) رد شده بود، بر طبق قواعد و قوانین وضع شده در ایالت‌های گوناگون آلمان و به صورت مستقل از طرف دولت هر ایالتی صورت می‌گرفت. به این ترتیب تاکنون در بسیاری از ایالت‌های آلمان، استرداد پناهندگان به کشورهایی که خطرات جانی، شکنجه و یا حتی تعقیب برای آنها وجود داشت (از جمله به ایران) با ممنوعیت روبرو می‌شد و به همین جهت پناهندگان، از این کشورها حتی اگر تقاضای پناهندگیشان رد می‌شد، به کشورهایشان باز گردانده نمی‌شدند. اکنون در- قانون جدید خارجیا موضوع رسیدگی به وضعیت پناهجویانی که تقاضای پناهندگی آنها رد شده، به امری سراسری بدل گردیده است. این به معنای آنست که در سطح کشور آلمان و به طور سراسری تصمیم گرفته می‌شود که ممنوعیت استرداد پناهندگان شامل چه کشورهایی خواهد شد و آنچه که مسلم است تعداد این کشورها بسیار اندك خواهد بود.

در مورد مشخصی ایران، باید گفت براساس شواهد موجود، به احتمال قریب به یقین نام آن از لیست کشورهایی که استرداد پناهندگان به آن ممنوع بود، حذف خواهد شد.

دو نمونه از این شواهد که ما در جریان آنها قرار گرفتیم، چنین می‌باشد - در دیداری که اعضای شورای پناهندگان (Flüchtlingsrat) - استان نیدرزاکسن با وزیر داخلی این استان در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ داشتند، این امر از طرف شخصی وزیر داخلی مورد تاکید قرار گرفته است که به احتمال ۹۹ درصد نام ایران در لیست کشورهای فوق الذکر نخواهد بود.

- و دیگر اینکه در جلسهای که اوایل دسامبر با شرکت قضات عالی استان نیدرزاکسن و برخی از وكلا برگزار گشت، در رابطه با ایران و کشورهایسی مانند آن چنین گفته شده است:

" در ایران، اتیوپی، افغانستان و ... نسبت به شهری مانندنیویوسوک

بر علیه استرداد دستجمعی و گسترده پناهندگان مبارزه کنیم !

و سازمان بهداشت جهانی درباره وضع ایران، اخبار اعدام زندانیان سیاسی، اخبار مبارزات مردم ایران بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و ... استفاده کرد.

ثالثاً " برای تأثیر بر افکار عمومی مردم آلمان طبعاً " تنها مواد و ماتریال درباره شرایط ایران کافی نیست . میبایست حمایت و سمپاتی تشکلهای و جریانهای سیاسی آلمان و ملیتهای دیگر را جلب نمود، از روزنامهها و نشریات پیشرو خواست که اخبار مربوط به ایران را منتشر نمایند، با همکاری افراد علاقمند جلسات اطلاعاتی تشکیل داد و ... ما از مدتها پیش فعالیتهایی را در زمینههای فوق آغاز کردیم و آمادیم در این عرصهها و سایر عرصههای پیشنهادی یا دیگر تشکلهای و عناصر علاقمند همکاری نماییم .

جنبش پناهندگی در برابر یک آزمایش بزرگ قرار دارد . هر گونه سستی و سهل انگاری، پاسیویسم و انفعال میتواند عواقب جبران ناپذیری بسه دنبال داشته باشد .

ما همه تشکلهای پناهندگی و تمامی پناهندگان را فرا میخوانیم که در فرصت اندک باقی مانده در مقابل استرداد پناهندگان و پایمال نمودن حقوق مهاجرین و پناهندگان به مبارزه متشکل دست بزنند .

تاریخ نگارش - دسامبر ۱۹۹۰

یادداشت :

۱- منظور پناهندگانی هستند که تقاضای پناهندگیشان به طور نهایی رد شده و امکان تجدید نظر در حکم ردیشان وجود ندارد .

دوست و مدافع حقوق مهاجرین و پناهندگان در ارتباط میباشند و بخشاً " از روابط نسبتاً نزدیکی با خبرنگاران و رسانه‌های گروهی آلمان برخوردار هستند . متشکل شدن در شوهرای پناهندگی هر استان به تشکلهای و عناصر ایرانی فعال در امور پناهندگی کمک میکند از وضعیت ملیتهای دیگر، جدیدترین قوانین و مقررات در مورد پناهندگان و مهاجرین، وضعیت استانیهای دیگر و ... بهتر مطلع شوند و بخشاً " اقدامات اعتراضی را به کمک افراد و جریانهای متشکل در این شوهرای سازمان دهند .

۲- جمع آوری و ترجمه اطلاعات و اسناد معتبر درباره شرایط ایران و شناساندن این شرایط به مردم آلمان . اسناد و اخبار جمع آوری شده میبایست منعکس کننده خفقان حاکم در ایران، نقض حقوق ابتدایی انسانها، استمرار شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی، سرکوب اقلیتهای ملی و مذهبی، سرکوب حقوق زنان، اجرای قوانین و احکام ارتجاعی و عهد عتیق اسلام، تضییق حقوق ابتدایی کارگران و تهیدستان و ... باشد .

در این رابطه بهتر است به چند نکته توجه کرد: اولاً " باید کوشید اخبار و اطلاعات جمع آوری شده، بویژه مربوط به شرایط ایران پس از سرگرد خمینی و به قدرت رسیدن رفسنجانی باشند . زیرا استدلال دولت آلمان چنین است که گویا پس از رئیس جمهور شدن رفسنجانی " لیبرالیسم " و " میانه روی " بر ایران حاکم شده، حقوق بشر دیگر چون سابق نقضی نمیشود، موازین " دمکراتیک " و معتبر بین المللی رعایت میشود و ...

ثانیاً " هر قدر این اطلاعات و اخبار سندیت بیشتری داشته باشند بسه همان نسبت از کار برد و برائی بیشتری برخوردارند . در این رابطه می توان از اعتراضات رژیم در رابطه با سرکوب آزادیها، اخبار مربوط بسه سنگسار زنان، گزارشهای سازمانهای بین المللی چون سازمان عفو بین الملل

خوانندگان گرامی !

برای این شماره پیش در بخش برخورد به دین مقاله " گستاخی رفسنجانی در تبلیغ فحشاء اسلامی " تهیه شده بود که به علت تراکم مطالب چاپ آن به شماره بعد موکول میگردد .

لطفاً " برای مکاتبه با ما به تفسیر آدرس توجه کنید .
 آدرس جدید: Solidaritätsverein mit
 iranischen Völkern
 Postfach 5311
 3000- Hannover 1
 W- Germany

برای احقاق حقوق پناهندگان و مهاجرین متشکلاً مبارزه کنیم !

ملاحظاتى بر نتایج انتخابات مجلس سراسرى آلمان

جدول شماره يك - نتایج انتخابات مجلس سراسرى آلمان

انتخابات مجلس سراسرى آلمان - نوم نامبر ۱۹۹۰	انتخابات مجلس سراسرى آلمان - فدرال سال ۱۹۸۷		انتخابات مجلس آلمان شرقى - نوم نامبر ۱۹۹۰		انتخابات مجلس آلمان غربى - نوم نامبر ۱۹۸۷	
	مجموعه آلمان غربى	مجموعه آلمان شرقى	مجموعه آلمان غربى	مجموعه آلمان شرقى	مجموعه آلمان غربى	مجموعه آلمان شرقى
آرا به صندوق ریخته شده	۲۷.۸۳۰.۰۰۸	۹.۱۶۶.۷۲۵	۴۶.۹۱۶.۷۳۳	۲۸.۲۲۵.۲۹۴	۱۱.۶۰۴.۴۱۸	
آرا معتبر	۳۷.۴۲۲.۲۷۰	۹.۰۲۱.۷۸۸	۴۶.۴۴۴.۰۵۸	۲۷.۷۴۲.۸۱۳	۱۱.۵۴۱.۱۵۵	
درصد شرکت کنندگان	۷۸/۶	۷۲/۷	۷۷/۸	۸۲/۳	۹۳/۳	
CDU - CSU	۱۶.۵۷۸.۰۱۱	۳.۷۷۴.۳۵۶	۳۰.۳۵۲.۳۶۷	۲۴/۸	۴۴/۳	۴۰/۸
SPD (سوسیال دمکراتها)	۱۲.۳۵۱.۵۲۶	۲.۱۸۸.۴۵۱	۱۵۵.۲۹۹.۷۷۷	۳۳/۵	۳۷/۰	۲۱/۹
FDP (لیبرالها)	۳.۹۵۷.۳۶۹	۱.۱۶۶.۵۶۷	۵۱۲.۲۹۳.۶	۱۱	۹/۱	۵/۳
سبزها - Bündnis ۹۰	۱.۷۷۸.۴۳۶	۵۵۵.۳۳۰	۲۳۴.۶۷۶.۶	۵/۱	۸/۳	۴/۹
لیست چپ - PDS	۱.۲۶۴.۴۷۶	۱۰۰.۲۸۱.۴	۱۱۲.۹۲۹.۰	۲/۴	-	۱۶/۴
سایرین	۱۶۳.۰۴۵	۳۳۴.۲۷۰	۱۹۵.۱۷۲.۲	۴/۱	۱/۳	۱۰/۷

علاوه بر این بیش از ۵۵۰ هزار تن (بیش از يك درصد کل آرا) رأی - باطله به صندوق ریختند.

این واقعیت که بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم یا در انتخابات شرکت نکرده و یا رأیهای باطله به صندوق ریختند از یکسو نشانه نارضایتی از وضعیت موجود و از سوی دیگر نشانه بدبینی و همچنین بی‌تفاوتی بخشی از جامعه آلمان نسبت به انتخابات است. به علاوه اگر به حساب آوریم که از مجموع جمعیت آلمان فدرال حدود ۴/۷ میلیون تن (یعنی حدود ۷ درصد جمعیت) مهاجر و پناهنده هستند و اصولاً محروم از حق شرکت در انتخابات میباشند، در می‌یابیم که تقریباً سی درصد جمعیت آلمان در انتخابات شرکت نداشتند.

با این حساب احزاب ائتلاف حاکم (CDU - CSU و FDP) که مجموعاً ۵۴/۸ درصد آرا معتبر را به خود اختصاص دادند، در واقع حدود ۳۸ درصد (۳۸/۳۶ = ۵۴/۸ × ۷۰٪) کل آرا جمعیت آلمان را - پشت سر خویش دارند. یعنی حتی با معیارهای پذیرفته شده بورژوازی ساینندگان ۳۸ درصد اهالی علاوه بر موکلین خود بر ۶۲ درصد بقیه‌هالی نیز حکومت می‌کنند. این حداکثر چیزی است که دمکراسی بورژوازی می‌تواند عرضه کند!

نتایج انتخابات دوم دسامبر را در مقایسه با انتخابات سال ۱۹۸۷ آلمان فدرال و انتخابات چند ماه پیش مجلس آلمان شرقی - قبل از الحاق این کشور به آلمان غربی - نشان میدهد.

همانگونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌گردد، در مجموع ۲۲/۲ درصد از کسانی که دارای شرایط حق رأی بودند، در این انتخابات شرکت نکرده‌اند و این میزان نسبت به انتخابات سال ۱۹۸۷ در آلمان فدرال و انتخابات سال ۱۹۹۰ مجلس آلمان شرقی به طور محسوسی بالا تر است.

پایین آمدن تعداد شرکت کنندگان در انتخابات اخیر بویژه در مورد مردم آلمان شرقی مشهود است. همانطور که در جدول فوق مشاهده میشود، در انتخابات مجلس آلمان شرقی ۹۳/۳ درصد مردم شرکت کرده بودند. در حالیکه در انتخابات اخیر تنها ۷۴/۸ درصد شرکت نمودند. به عبارتی دیگر تنها در ظرف چند ماه ۱۸/۶ بر تعداد کسانی که در انتخابات شرکت نکرده‌اند افزوده شده است و این عده در عمل بی‌اعتمادی و دل‌سردی خویش را نسبت به تبلیغات مربوط به "آلمان متحد" و وعده و وعده‌های طبقات حاکم به نمایش گذاشتند.

ملاحظاتى بر نتایج انتخابات مجلس سراسرى آلمان

در حالیکه ائتلاف حاکم به رهبری هلموت کهل توانست منافع طبقه حاکم را در آلمان فدرال نمایندگی نموده، به آمال و آرزوهای بخشی از مردم دو آلمان پاسخ دهد و خط مشی سیاسی روشنی را به پیش برد. اما شکست سوسیال دمکراتها در انتخابات اخیر تا حدودی تحت الشعاع شکست باز هم بزرگتر و غافلگیر کننده حزب سبزها قرار گرفت. حزب سبزها با زنده اصلی این انتخابات بود. این حزب که در سال ۱۹۸۳ با بدست آوردن ۵/۹ درصد آرا برای اولین بار وارد مجلس آلمان فدرال شد و در سال ۱۹۸۷، رقم قابل ملاحظه ۸/۳ درصد آرا را به خود اختصاص داد، در انتخابات اخیر با کسب ۴/۸ درصد آرا در منطقه آلمان غربی حتی نتوانست به مجلس راه یابد (۲) و در منطقه آلمان شرقی

با صرفنظر از این نکته، انتخابات دوم دسامبر یک پیروزی بزرگ برای ائتلاف حاکم و یک شکست سنگین برای احزاب سوسیال دمکرات (SPD) و سبزها (گروه) به حساب می آید. تا آنجا که به سوسیال دمکراتها مربوط می شود، آنها در انتخابات اخیر با تصاحب تنها ۲۳/۵ درصد آرا، کمترین میزان آرا را از سال ۱۹۶۱ به این سو بدست آوردند. جدول شماره ۲ مقایسه ای است بین درصد آرا سوسیال دمکراتها با احزاب CDU - CSU در تاریخ انتخابات مجلس سراسری جمهوری فدرال آلمان از سال ۱۹۴۹ تا سال ۱۹۸۷ و همچنین انتخابات مجلس سراسری "آلمان متحد" در سال ۱۹۹۰.

جدول شماره ۲ - مقایسه درصد آرا سوسیال دمکراتها با احزاب CDU - CSU (۱)

سال	SPD	CDU - CSU	سال	SPD	CDU - CSU
۱۹۴۹	۲۹/۳	۳۱/۰	۱۹۷۲	۴۵/۸	۴۴/۹
۱۹۵۳	۲۸/۸	۴۵/۲	۱۹۷۶	۴۲/۶	۴۸/۶
۱۹۵۷	۳۱/۸	۵۰/۲	۱۹۸۰	۴۲/۹	۴۴/۵
۱۹۶۱	۳۶/۲	۴۵/۳	۱۹۸۳	۳۸/۲	۴۸/۸
۱۹۶۵	۳۹/۳	۴۷/۶	۱۹۸۷	۳۷/۰	۴۴/۳
۱۹۶۹	۴۲/۷	۴۶/۱	۱۹۹۰	۳۵/۷	۴۴/۳

نیز ناگزیر شد در ائتلاف با جریان "اتحاد ۹۰" (Bündnis ۹۰) و با کسب ۶/۱ درصد آرا، تنها به ۸ کرسی از مجموع ۶۶۲ کرسی مجلس سراسری آلمان قناعت کند (۳).

شکست پرسروصدای حزب سبزها واکنشهای متفاوتی را در درون این حزب برانگیخت. دو جناح اصلی درون این جریان یعنی "واقع گراها" و "بنیاد گراها" هر یک کوشیدند به نحوی علت شکست در انتخابات را به گردن جناح دیگر بیانازند.

از مجموع اظهار نظرها و مباحثات درونی حزب سبزها می توان دو نظریه و دو راه حل متفاوت و متناقض را تشخیص داد.

نظریه اول که عمدتاً "واقع گراها" آن را نمایندگی می کنند، علت شکست حزب سبزها را نزاعهای داخلی بین جناحهای مختلف حزب، نواقص موجود

با دقت در جدول شماره ۲ می بینیم که سوسیال دمکراتها از آغاز دهه ۸۰ تاکنون به طور مداوم نفوذ خود را در جامعه از دست داده و یک سیر نزولی پیموده اند. افول سوسیال دمکراتها در انتخابات حاضر نیز ادامه این روند نزولی می باشد.

این شکست بیشک معمول عوامل متعددی است که بررسی آنها از حوصله مقاله حاضر خارج است. ما در اینجا تنها به یک عامل اشاره می کنیم که از نظر تعیین خط مشی های سیاسی روز اهمیت ویژه ای دارد و آن عبارت است از موضوع "اتحاد دو آلمان" و بر خورد سوسیال دمکراتها به آن. در برخورد نسبت به این موضوع مهم که در ماههای اخیر تا حدود زیادی سایر مسائل روز را تحت الشعاع خویش قرار داد سوسیال دمکراتها همواره در حاشیه قرار داشتند و سیاستی متزلزل و بی ثبات اتخاذ نمودند.

ملاحظاتى بر نتایج انتخابات مجلس سراسرى آلمان

در درون حزب بود، در طول دهه ۸۰ رفته رفته از تشکلهای خود جوش شهروندان و کار در خارج از پارلمان فاصله گرفت، بیشتر و بیشتر به احزاب رسمی بورژوازی شباهت پیدا کرد و نقش بدنه و پایه آن در تصمیم گیریها و اتخاذ سیاستهای حزب، کمتر و کمتر شد. تحقق این روندها از یکسو به جدایی حزب از پایگاه اجتماعی آن و از سوی دیگر به عمیق تر شدن شکاف بین رهبری و بدنه حزب انجامید. این شکافها بویژه در زمانهایی عمیق تر شد که حزب سبزها در ائتلاف با سوسیال دمکراتها به حکومت برخی از استانهای آلمان فدرال رسید.

حزبی که خود را بدیل " احزاب بورژوازی با ثبات " و از جمله سوسیال دمکراتها تعریف میکرد، تمام هم و غمش این شد که در ائتلاف با سوسیال دمکراتها به حکومت برسد و هنگامی که در ایالتهای نظیر برلین و نیدرزاکسن به قدرت رسید عملاً تفاوت چندانی با سایر احزاب بورژوازی نداشت و ندارد.

اما واقعیتی که هیچیک از دو گرایش اصلی درون سبزها در مباحثات اخیر شان به آن توجه ندارند و در سطح پایبندی عمل میکند اینست که سبزها از نظر چشم انداز و افق سیاسی خلع سلاح شدهاند و با شعارها و اهداف سیاسی فعلیشان دیگر نمیتوانند جذابیت سابق را داشته باشند. دو پایبندی که در گذشته باعث جذابیت حزب سبزها برای بخشی از جامعه میشد، عبارت بود از با فشاری سبزها بر مسئله حفاظت از محیط زیست و موضوع صلح جهانی و خلع سلاح. امروز دیگر سبزها در هیچیک از دو موضوع فوق نسبت به احزاب نیرومند دیگر پیشتر نیستند و نمیتوانند بدیل متمایزی ارائه دهند.

تا آنجا که به حفاظت از محیط زیست مربوط میشود، امروز دیگر همه احزاب، از دمکرات مسیحی گرفته تا سوسیال دمکراتها خود را مدافع حفاظت از محیط زیست جا زده و با وارد کردن این موضوع به برنامهها و شعارهای خویش، عملاً حزب سبزها را در این زمینه خلع سلاح کردهاند.

جنبش صلح نیز که در دوران "جنگ سرد" و رقابت تسلیحاتی دو پیمان نظامی ناتو و ورشو پا گرفته بود و یکی از بنیادهای تبلیغات وافق سیاسی خویش را مبارزه برای جلوگیری از جنگ ما بین دولتهای عضو دو پیمان مذکور و در رأسشان آمریکا و شوروی قرار داده بود، اینک با تغییر ساختار سیاسی جهان، پایان یافتن دوران "جنگ سرد" و محتمل بودن انحلال پیمان ورشو به طور چشمگیری افول کرده و دیگر نمیتواند با همان محتوای سابق به حیات خویش ادامه دهد. تصادفی نیست که امروزه از راهپیماییهای چندین ده هزار نفره طرفداران صلح و خلع سلاح جهانی

در ساختار تشکیلاتی حزب و تعادل بیش از حد آن به بدنه و پایه حزب، کافی نبودن اختیارات رهبری و عدم وجود شخصیتهای شناخته شده در سطح سراسر آلمان میماند. طبق این نظریه وجود جنگ و جدال دائمی بین جناحهای مختلف حزب، اعتماد مردم را از سبزها سلب کرده و از این حزب تصویر یک جریان متزلزل و بیثبات را بوجود آورده است. این نظریه راه حل برون رفت سبزها از بحران را در نگرانی در ساختار تشکیلاتی حزب، گذاشتن مرکز ثقل تبلیغات انتخاباتی بر شخصیتهای شناخته شده حزب و افزایش اختیارات رهبری جستجو میکند. از جمله طرفداران معروف این نظریه یودگایش رئیس فراکسیون سبزها در ایالت هسن و هاید روله سخنگوی این حزب هستند.

نظریه دوم که عملاً از جانب " بنیاد گراها " یا کسانی که به اصول و شعارهای اولیه حزب سبزها در هنگام تأسیس این جریان پایبند هستند نمایندگی میشود، علت شکست انتخاباتی سبزها را در گرایش به راست این حزب، ناتوانی این حزب در ارائه یک آلترناتیو (بدیل) چپ و کم بها دادن به کار خارج از پارلمان و همچنین بی توجهی به سازماندهی جنبشها و مبارزات اجتماعی در خارج از چارچوب پارلمان میماند. بنا به این نظر بخش بزرگی از کسانی که در انتخابات شرکت نکردند، طرفدار یک بدیل چپ در جامعه هستند و از آنجا که نه سبزها و نه حزب حاکم سابق در آلمان شرقی (PDS) یک بدیل چپ را نمایندگی نمیکند، آنان ترجیح دادند انتخابات را تحریم نمایند.

این نظریه روشنگری و کار در خارج از پارلمان و شکل بخشیدن به یک آلترناتیو چپ در جامعه را پیشنهاد میکند. از جمله طرفداران این نظریه یوتادیتفور و یودگرفولمر هستند.

قطعاً بی توجهی به کار خارج از مجلس و تبدیل شدن حزب سبزها به جریانی که اساساً در جستجوی راههایی برای معامله و ائتلاف با سوسیال دمکراتها و وارد شدن در حکومت است از یکسو و بی سیاستی، تردید و تزلزل در تصمیم گیریها از سوی دیگر از دلایل مهم شکست انتخاباتی اخیر سبزها و جدا افتادن این حزب از پایگاه توده‌ای خویش بوده است.

حزب سبزها که به شکل یک جریان سراسری در سال ۱۹۸۰ و در ارتباط مستقیم با فعالیت تشکلهای خود جوش شهروندان (Bürgerinitiative) تأسیس شده بود، خود را به عنوان آلترناتیو (بدیلی) در مقابل " احزاب بورژوازی با ثبات " و رسمی موجود تعریف میکرد و سیاست تشکیلاتی اعلام شدهاش دخالت دادن هر چه بیشتر بدنه و پایه حزب در تصمیم گیریها و تأمین حداکثر دمکراسی

ملاحظات بر نتایج انتخابات مجلس سراسری آلمان

از تهاجم به حقوق و دستاوردهای دمکراتیک جامعه، دستاوردهای جنبش کارگری آلمان و همچنین حقوق پناهندگان و مهاجرین به همراه خواهد آورد.

اینکه ائتلاف حاکم در این تهاجم جدید تا چه اندازه موفق خواهد بود، در درجه اول بستگی به چند و چون واکنش جامعه نسبت به این تهاجم و میزان مقاومت مشکلی دارد که در برابر سیاستها و اهداف این ائتلاف صورت خواهد گرفت.

تاریخ نگارش مقاله - دسامبر ۹۰

یادداشتها:

- ۱- جدول شماره ۲ از روزنامه نوبه برسه مورخ اول دسامبر ۹۰ اقتباس شده است.
- ۲- طبق مقررات انتخابات دوم دسامبر، تنها حزبی می‌توانست به مجلس نماینده بفرستد که حداقل در یکی از مناطق آلمان شرقی یا غربی بیش از ۵ درصد آرا را به خود اختصاص دهد و حزب سبزها در محدوده آلمان غربی کمتر از حد نصاب لازم (۵ درصد) رأی آورد.
- ۳- جدول زیر که از نشریه Rote Fahne مورخ ۸ دسامبر ۹۰ اقتباس شده، مقایسه‌ای است بین تعداد کرسیهای جریانانات مختلف مجلس سراسری آلمان در فاصله اکتبر تا دسامبر ۹۰ و تعداد این کرسیها پس از انتخابات دوم دسامبر.

تعداد کرسیهای مجلس از اکتبر تا دوم دسامبر ۱۹۹۰	تعداد کرسیهای مجلس از دوم دسامبر ۱۹۹۰ تا به بعد	ما به التفاوت کرسیها
۳۰۵	۳۱۹	۰۱۴
۲۲۶	۲۳۹	۰۱۳
۵۷	۷۹	۰۲۲
۴۲	۰	-۴۲
۷	۸	۰۱
۲۴	۱۷	-۷
۲	۰	-۲
۶۶۳	۶۶۲	

۴- از جمله اهداف و سیاستهای احزاب فاشیستی که توسط ائتلاف حاکم به پیش برده شده است، می‌توان از الحاق آلمان شرقی به آلمان غربی، تشدید و دامن زدن به جو ناسیونالیستی و نژاد پرستانه در سطح جامعه، افزایش فشار به "خارجیها"، مردود کردن و استرداد پناهندگان و کوشش در جهت محدود کردن باز هم بیشتر حقوق دمکراتیک در جامعه نام برد.

در کشورهای اروپایی خبری نیست . بدین ترتیب سبزه‌ها حتی با معیارها و در چارچوب فعالیت سیاسی خودشان ناگزیرند برای اینکه در مقابل سایر احزاب چیزی عرضه داشته باشند به تجدید تعریف خود پرداخته، محتوای فعالیت سیاسی خویش را دگرگون نموده و افق و چشم انداز سیاسی خود را روشن نمایند. از نتایج دیگر انتخابات دوم دسامبر شکست سنگین حزب نئوفاشیستی جمهوری خواهان (REP) بود. جمهوری خواهان که همین یک سال پیش در انتخابات پارلمان اروپا حدود ۷ درصد آرا را به خود اختصاص دادند، در این انتخابات چیزی در حدود ۲ درصد رأی آوردند و به مجلس راه نیافتند. از جمله عوامل شکست جمهوری خواهان اختلافات درونی آنها بود که منجر به اخراج، کارشکنی و دلسردی بخشی از اعضا و کادرهای فعال این جریان گردید. عامل دیگری که در شکست جمهوری خواهان موثر بود، فعالیت جریانانات ضد فاشیستی و افشاگریهای نسبتاً وسیع بر علیه احزاب فاشیستی بود. عامل مهم دیگری که باعث شکست این جریان شد، این واقعیت است که ائتلاف حاکم در آلمان به شکل "معقول تر" و "سنجیدمتری" بسیاری از اهداف و سیاستهای احزاب فاشیستی و از جمله جمهوری خواهان را به پیش می‌برد. (۴) و بسیاری از هواداران سیاستهای راست افراطی ترجیح

می‌دهند به جای جریانانات بی ثبات و ضعیفی چون جمهوری خواهان و یا انجمن خلق آلمان (DVU) احزاب ائتلاف حاکم (CDU - CSU) را انتخاب نمایند.

نکته‌ای که در پایان می‌بایست بر آن تاکید کرد اینست که پیروزی ائتلاف دست راستی حاکم در انتخابات مجلس سراسری آلمان، بی‌گمان دور جدیدی

انتشار اخبار ترورهای جمهوری اسلامی در مطبوعات

قول دادند تا با درج این اخبار در نشریات خود، در افسای جمهوری اسلامی ما را یاری نمایند." و همچنین در آنجا وعده دادیم که "نتیجه کار را متعاقباً" به اطلاع خوانندگان خواهیم رساند." در رابطه با نتیجه کار، تا زمان چاپ این مطلب مطلع شدیم که در هفته نامه آلمانی زبان "Rote Fahne" و ماهنامه "Unsere Stimme" مطالبی در این رابطه انتشار یافته است که کلیشه آنها را برای اطلاع خوانندگان عزیز در زیر به چاپ میرسانیم.



انتشار اخبار مربوط به تروریم جمهوری اسلامی در مطبوعات آلمانی زبان در پویش شماره ۱۲ از انتشار يك اطلاعیه مطبوعاتی به زبان آلمانی درباره تروریم جمهوری اسلامی و ارسال آن به همراه لیست اسامی برخی از قربانیان این تروریم در خارج کشور برای نشریات و رسانهای گوناگون آلمانی زبان نکری به میان آورده بودیم. در همین جهت در پویش شماره ۱۳ به اطلاع خوانندگان گرامی رسانیم که "تاکنون چند نشریه طرفدار حقوق خارجیا، ضمن استقبال از این اقدام به ما

Unsere Stimme Nr. 10

Presseerklärung

Einige der Opfer von Terrorismus der islamischen Regierung

- Bijan Faeeli, am 18.08.1988 in London durch einen Bombenanschlag in seinem Video_Laden
- Ali Akbar Mohammadi, geflüchteter Flugsongführer des ehemaligen Parlament oppositionellen Rafsanjani, am 16.01.87 in Hamburg
- Hamid Reza Tschitgar, Mitglied des Zentralkomitees der Arbeitspartei Irans, am 19.08.1987 in Wien
- Amir Hussein Amir Parvis, der Ex-Minister des Schah, am 16.07.1987 in London
- Ahmad Talebi, ein Flüchtlinge, im August 1987 in der Nähe von Lemnos in Genf
- Mostafa Ebrari und abdelhassan Hojtabehdodah, Mitglieder der Volkmojdahedi, im Oktober 1987 in der Türkei entführt werden
- Kader Tavaheli und Ali Tavaheli, Flüchtlinge, am 02.10.1987 in England
- Mahmud Jekhand, Flüchtlinge am 16.10.1988 in Keratschi, Pakistan
- Abdelah Bayar Ahmedi, Mitglied der Organisation "Derafsch Kaviani" in Juni 1988 in Dubai
- Abdolrahman Ghassemlu, der Generalsekretär der "kurdischen Demokratischen Partei (KDP)" am 13.07.1988 in Wien
- Abdollah Ghaderi Azer, der Europapresident der EDP am 13.07.1988 in Wien
- Fadel Wolla Mahmud Basul, der irakische Kurde am 13.07.1988 in Wien
- Ebrahime Sepid Dashti Rezai, Flüchtlinge am 07.08.1988 in London
- Gholam Keschawars (bürgerlich Bahman Djawedi), Mitglied der "kommunistische Partei Irans" (KPI), am 28.08.1988 in Larnaka, Zypern
- Jusef Raschidsadeh Schahinabad, Flüchtlinge am 26.08.1988 in Larnaka, Zypern
- Sedigh Kamangar, Mitglied in Zentralkomitee der KPI am 04.09.1988 an der irakisch-iranische Grenze
- Hussein Mirabedini, Mitglied der Volkmojdahedi am 22.03.1988 in Istanbul
- Kasem Rajdavi, Mitglied der Volkmojdahedi am 24.04.1988 in Genf
- Ali Kashefpour, einer der Führer der "kurdischen demokratischen partei-revolutionärer Teil" am 18.08.1988 in Ankara, Türkei
- Efat Gasi, eine kurdische Oppositionelle am 06.09.1988 in Schweden
- Sirus Elahi, Mitglied der Organisation "Derafsch Kaviani" am 23.10.1988 in Paris

Das Leben der iranischen Flüchtlinge ist in Gefahr! Iranische ImmigrantInnen und Flüchtlinge in europäischen Ländern, u.a. auch in der BRD haben keine Lebenssicherheit. Seit Jahren ermordet die islamische Regierung ihre im Exil lebenden politischen Gegner. Bisher wurden dutzende iranischer Flüchtlinge und ImmigrantInnen in Frankreich, BRD, England, Schweiz, Österreich, Türkei, Pakistan, Zypern usw. ermordet.

Hamid Reza Tschitgar, Abdolrahman Ghasemlu, Gholam Keschawars, Kasem Rajdavi sind nur einige Opfer der Terrorakte des iranischen Regimes.

Auch jetzt hat die islamische Regierung die Krise am Golf ausgenutzt, um ihre Terroraktivitäten zu erweitern. So wurden Mitte August 1990 Ali Kashefpour und Efat Ghasi - zwei kurdische Oppositionelle - in der Türkei und in Schweden ermordet. Das letzte Opfer war Sirous Ellahi. Er wurde am 23. Okt. 90 ermordet, nachdem am 22. Okt. die EG-Staaten den Namen der islamischen Regierung von der Liste der menschenrechtsverletzenden Regierungen gestrichen hatte!

Das jetzige Problem der iranischen Flüchtlinge ist ein Problem aller Flüchtlinge. Denn, wenn es der islamischen Regierung gelingt, ihre Terrorakte im Ausland weiterhin fortzusetzen, ohne dabei in irgendeiner Form behindert zu werden, dann könnten auch andere diktatorische Regime dies zum Vorbild nehmen und ihre politischen GegnerInnen im Ausland umbringen.

Solidaritätsverein iranischer Völker

Iran läßt morden

Während die Aufmerksamkeit der Weltöffentlichkeit auf die Golfkrise gelenkt ist, verfolgt das Regime im Iran Oppositionelle bis ins europäische Ausland. So wurden in Schweden, Deutschland und der Türkei Iraner ermordet. Wo Zeugen Beweise für die Beteiligung des iranischen Regimes vorlegten, wurden diese von den europäischen Regierungen einfach übergangen. (nach Korrespondenz, Hannover)

Rote Fahne 48/1990

مراکش: اعتصاب و شورش کارگران و تبه‌دستان

بیش از ۳۰ تن کشته و صدها نفر زخمی شدند. فرستنده "BBC" تعداد کشته‌شدگان را بیش از ۱۰۰ تن ذکر کرده است. و روزنامه "Taz" در گزارش روز ۱۸ دسامبر خود از کشتار به مراتب بیشتری سخن می‌گوید. طبق این گزارش، بسیاری از کسانی که در درگیری‌ها جان خود را از دست دادند، به صورت مخفیانه دفن شدند و مجروحین بسیاری بدون کمک پزشکی به حال خود رها شده تا هلاک شوند.

علاوه بر این "کمیته آکسیون برای آزادی زندانیان سیاسی" در مراکش، نام بیش از ۱۰۰۰ تن که در درگیری‌های اخیر بازداشت شدند را به ثبت رسانده و اعلام نموده است که علاوه بر شکنجه‌های گوناگون، خطر اعزام به اردوگاه‌های کار اجباری در جنوب مراکش، حبس‌های طولانی مدت و اعدام، دستگیر شدن را شدیداً تهدید میکند.

بر طبق گزارش خبرگزاری‌ها، شورش‌های مراکش تا چند روز بعد از ۱۴ دسامبر همچنان ادامه داشته و دامنه آن به شهر "ریباط" پایتخت مراکش نیز کشیده شده است. هم اکنون دانشگاه‌ها توسط نیروهای نظامی اشغال شدند و کنترل پلیسی سیستماتیکی در سطح شهرها صورت می‌گیرد. بنا به گزارش روزنامه "Taz"، اتحادیه‌ها معتقدند که پلیس خود در ایجاد این شورش‌ها دست داشته است ولی واقعیت امر، که همه مفسران و آگاهان سیاسی نیز بدان اذعان دارند، حکایت از يك طرفیان خود انگیخته مردمی میکند.

به گزارش روزنامه دی تاکی سایتونگ (در روزهای ۱۵، ۱۷ و ۱۸ دسامبر ۹۰)، در چندین شهر مراکش از جمله "فاس"، "طنیطره"، "آقادیر"، "مراکش" و "نادر" (Nador)، مردم در اعتراض به افزایش شدید قیمت‌ها، درصد بالای بیکاری و فقر فزاینده به خیابانها ریختند. روز جمعه ۱۴ دسامبر دو اتحادیه بزرگ مراکش به نامهای کفدراسیون دمکراتیک کارگران "CDT" و اتحادیه عمومی کارگران "UGTM" فراخوان به اعتصاب عمومی یکروزه داده بودند و از مردم خواسته بودند از خانه‌های خود خارج نشوند. عصر این روز، هزاران تن از مردم زحمتکش و تهی‌دست کسانی که زیر بار فقر، گرسنگی و بیکاری له می‌شوند و هیچ چشم انداز و افق بهتری برای زندگی خود، تحت شرایط موجود آن کشور نمی‌بینند، عصیان زده و خشمگین، بدون توجه به درخواست و توصیه اتحادیه‌ها مبنی بر ماندن در خانه‌هایشان، به خیابانها ریخته و با شعار "مرگ بر حسن سک" (منظور سلطان حسن پادشاه مراکش است) به مراکز پلیس و نظامی حمله کردند. علاوه بر این برخی از کارخانها و مراکز دولتی، اتوبوسها و هتلها نیز به آتش کشیده شدند.

نیروهای ارتش و پلیس که مجهز به انواع و اقسام سلاحهای ضد شورش بودند با شدت عمل هر چه تهاجمی وحشیانه به جمعیت عصیان زده هجوم آوردند. طبق گزارش اتحادیه‌ها و پزشکان در حمله نیروهای امنیتی،

منتشر شد:

آگهی

تایپ متون فارسی با کیفیت بالا و قیمت مناسب پذیرفته می‌شود. متقاضیان می‌توانند برای تماس با اینجانب با نشانی "کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران" مکاتبه نمایند.



جihad

شماره ۳۱

پرتکرارترین و پربیننده‌ترین روزنامه ایران - پاکستان - سوئیس - قیمت ۵ روپیه

در این شماره میخوانید:

- بهرمان: آیا باران کار ۱۴۰۰ متر می‌برساند؟
- شفا: میان بنا همگی!
- بهرمان: برون برکت: موت بهما همزمان -
- سلامت: ان ارگاز: گالیموول!
- آیا ما به سرگناه عورتا به حیثت نوزدی
- بعضی حقوق بشر: ایران با جمهوری زیمبابوئه
- گزارش: از میان‌دستان: تند تند بنا شدگی
- صوت نوز و آوازه: ۱۱ ماهه: برای
- ۱۶ دسامبر: ۴۰۰ مص مص کوب: زده ان
- بهرمان: کمیته کنفرانس: تا ریکا
- انگرا: ان ارگاز: ان
- بهرمان: و ما همه دولت: نوزدی
- آیا خبر:
- آهلیان: می‌ببینم: بر سمنای ایران
- بهرمان: آزاد
- بهرمان: یک تکه:
- آهلیان: ما ما ما: ریخت

زینسانی مسیاسی آزاد بسایند کسرود

مبارزات دهها هزار نفره کارگران فولاد آلمان

اتحادیه از ترس اینکه اوضاع از کنترل شان خارج شود، به زدوبند با کارفرمایان پرداختند و در مذاکرات ۶ دسامبر به خواستههای کارگران پشت نموده و به افزایش تنها ۶ درصد اضافه دستمزد و عدم اجرای ۳۵ ساعت کار هفتگی تا آوریل ۱۹۹۵ تن دادند.

در این مبارزات اگر چه کارگران نتوانستند خواستههای خویش را به کرسی بنشانند و در مقابل سازشکاری و زدوبند رهبران اتحادیه با کارفرمایان سه مقاومت متشکل دست بزنند اما موفق شدند با به نمایش گذاشتن کوششهای از توان و ظرفیت مبارزاتی خویش، کارفرمایان را به وحشت انداخته و به عقب نشینی وادارند.

منابع: Rote Fahne شماره‌های مورخ ۱۵، ۸، ۱ و ۲۲

دسامبر ۱۹۹۰

یادداشت:

- ۱- برای آگاهی از نتایج مذاکرات مربوط به تعرفه صنعت فلز رجوع کنید به پویش شماره ۷، مقاله "توافق اتحادیه فلز با کارفرمایان، پیش روی یا عقب نشینی؟"

در ماه نوامبر گذشته کارگران صنایع فولاد آلمان در ارتباط با تعرفه کار جدید، دست به مبارزات و اعتراضات گسترده‌ای زدند.

نقطه اوج این اعتراضات، اعتصاب اخطار آمیز ۴۵ هزار کارگر فولاد در روز ۱۵ نوامبر و همچنین اعتصابات اخطار آمیز، تظاهرات، اجتماعات و بخشا "بستن خیابانها توسط ۶۰ هزار کارگر فولاد در روز ۲۸ نوامبر" بود.

روحیه مبارزه طلبی کارگران در اجتماعات روز ۲۸ نوامبر نسبت به روزهای ۱۵ نوامبر از سطح بالاتری برخوردار بود. در این روز کارگران تقریباً "در تمامی مناطقی که جمعتهای فولاد وجود دارد، دست به آکسیونهای اعتراضی زدند. در روز ۲۸ نوامبر از جمله کارگران مجتمع Hoesch در دورتموند و همچنین کارگران فولاد شهرهای بوخوم، مول هایم و دویسبورگ به خیابانها ریختند. خواستههای اصلی ایشان اجرای فوری ۳۵ ساعت کار در هفته و ۱۰ درصد اضافه دستمزد بود. کارگران همچنین خواستار شدند که در صورت عدم تحقق خواستههایشان و به بن بست رسیدن مذاکرات مربوط به تعرفه کار، مسئله اقدام به اعتصاب نامحدود به رأی-گذاشته شود.

قبل از این اعتراضات کارفرمایان قصد داشتند در مذاکرات تعرفه جدید کار، به تهاجم وسیعی دست بزنند و اعلام کرده بودند که نتایج مذاکرات در هر حال بایستی برای کار فرمایان بهتر از نتایج مذاکرات صنعت فلز باشد. (۱) کارفرمایان برای تعرفه جدید خواست افزایش تنها ۳/۸۴ - درصد به دستمزدها و عدم اجرای ۳۵ ساعت هفتگی تا تاریخ اول اکتبر ۱۹۹۶ را مطرح می‌کردند. اما اعتراضات کارگران فولاد و ظرفیت نسبتاً بالای مبارزهجویی ایشان تأثیرات محسوسی بر کارفرمایان و روند مذاکرات تعرفه کار داشت. تا آنجا که کارفرمایان از خواستههای اولیه خویش عقب نشسته و مجبور شدند امتیازاتی به کارگران بدهند.

با این حال کارگران فولاد در اعتصابات اخطارآمیز و تظاهرات خود نشان داده بودند که این حد از عقبنشینی کارفرمایان را کافی نمی‌دانند و تأکید کرده بودند که اگر کارفرمایان ۱۰ درصد اضافه دستمزد، اجرای ۳۵ ساعت کار هفتگی و سایر خواستههای کارگران را نپذیرند، اقدام به یک اعتصاب عمومی می‌بایست به رأی گذاشته شود.

از سوی دیگر این مبارزه جویی کارگران، رهبران اتحادیه را ناگزیر کرد در ابتدا به حمایت از خواستههای کارگران بپردازند و این خواستهها را مبنای مذاکرات خویش قرار دهند. اما هنگامی که مبارزات کارگری در حال اوج گیری بود، مذاکرات اول دسامبر به بن بست رسید و مسئله به رأی گذاشتن اعتصاب نامحدود می‌بایست در دستورکار قرار می‌گرفت، رهبران

پویش

ماهنامه کمیته همسنکی با مبارزات مردم ایران:

Solidaritätsverein

آدرس:

mit iranischen Völkern

Postfach 5311

3000- Hannover 1

بها اشتراک:

West Germany

آلمان

یکاله ۲۸/۸۰ مارک

ششماه ۱۵ مارک

دیگر کشورها

یکاله ۲۱/۲۰ مارک

ششماه ۱۶ مارک

تمام قیمتها با محاسبه هزینه پستی است.

تک فروشی: ۱/۵ مارک

گوشه ای از شرایط طاقت فرسای زندگی در ایران از زبان یک کارگر تاسیساتی

س- چقدر بدهی دارید؟

ج- قبل از فروش خانه ۲۲۰ هزار تومان بدهی داشتم ولی الان کمتر شده، البته در این میان، بعد از چندین سال کمی هم از خرید لباس برای بچه‌ها احساس لذت کردم .
در بخش دیگری از صاحب، خبرنگار از علی اکبر دینی می‌خواهد، اگر انتقادی دارد، مطرح کند تا به چاپ برسد. وی در پاسخ می‌گوید:

از یک سال پیش سیستم فاضلاب بیمارستان از کار افتاده و هیچ کس هم به فکر درست کردن آن نیست، در حالی که خود مسئولان می‌دانند این فاضلاب حدود ۲۰ کیلومتر پایین تر به زاینده رود می‌ریزد و در آن اطراف مردم آب آشامیدنی خود را از زمینهای اطراف خود تأمین می‌کنند.

س- این مطلب را به مسئولان بیمارستان اطلاع دادهاید؟

ج- بارها به صورت شفاهی گفتم. خودشان هم می‌دانند ولی تأثیری نداشته است . از نظر من رفع اشکال فاضلاب بیمارستان مهتمتر از نگهداری خود بیمارستان است .

س- مسئولان بیمارستان در این مورد کوتاهی می‌کنند؟

ج- مشکل در جایی بالاتر از مسئولان بیمارستان قرار دارد. آنها را مقصر نمی‌نامم.

س- فکر می‌کنید این مسئله به استانداری یا شهرداری مربوط است ؟

ج- به آنها هم مربوط نیست. به نظر من مسئله باید از طرف سازمان بهزیستی و دانشگاه اصفهان حل شود. متأسفانه محیط زیست هم در این مورد کاری نکرده است .

در ادامه صاحبه گر می‌رسد:

..... چرا فکر کردید با فروش خانمتان و وارد شدن در کار حمل و نقل می‌توانید زندگی بهتری داشته باشید؟

ج- چاره دیگری نداشتم. اگر این کار را نمی‌کردم، حداکثر تا دو سال دیگر کل خانه را باید بابت بدهی هایم می‌دادم. بی آنکه پولی برای رهن خانه یا خرید وانت داشته باشم .

س- شما یک کارگر فنی هستید. تصور می‌کنم از تخصص خود بهتر می‌توانستید برای بهبود زندگیتان بهره برداری کنید.
ج- بفرمایید به چه شکل تا یاد بگیرم.

س- می‌توانستید کارهای تاسیساتی کثرت کنید. یا با کسی شریک شوید

که سرمایه از او باشد و نیروی کار از شما و یا در شرکتی تاسیساتی

یکی ازشریبات چاپ تهران به نام " صنعت حمل و نقل " درشماره

۸۹ خود صاحبهای دارد با یک کارگر تاسیساتی . نام وی علی اکبر دینی است . ۱۸۰ سال سابقه بیمه و ۱۲ سال سابقه کار به عنوان کارگر فنی تاسیساتی در " بیمارستان شهید دکتر چمران " اصفهان دارد. وی پس از سالها کار طاقت فرسا اکنون تنها چاره خود و خانوادهاش را در این دیده است که خانمشان را به فروش برسانند تا بلکه بتوانند وضعیت مشقت بار زندگیشان را سروسامان دهند.

از آنجا که وی در این صاحبه تصویری واقعی و روشن از مشکلات و دشواریهای زندگی خود و خانوادهاش بدست می‌دهد و این تصویر در عین حال منعکس کننده وضعیت اسف بار زندگی بخش بزرگی از مردم ایران است اقدام به درج بخشهایی از این صاحبه می‌نماییم .
صاحبه بدینگونه آغاز می‌شود:

سوال- فروش خانه آخرین راه حلتان بود؟

جواب- بله، هیچ چاره دیگری نداشتم.

سوال- پیش از این درآمدتان چقدر بود؟

جواب- با اضافه کاری ۶۷۵۰ تومان از بیمارستان می‌گرفتم و ۹ هزار تومان هم از شرکت شیمیایی مفتاح سپاهان . ولی مجموعاً ۸۲۷ هزار تومان بیشتر دستم را نمی‌گرفت .

س- اقساط پرداختی داشتید؟

ج- اصلاً به پرداخت بدهی هایم نمی‌رسید. چون قرار داد کارم با شرکت تمام وقت بود اجباراً در ماه سه هزار تومان می‌دادم به یک نفر تا دو روز در میان ۱۲ ساعت به حایم در بیمارستان کار کند. نزدیک به ۴ هزار تا ۴۵۰۰ تومان هم هزینه ناهار، سیگار و رفت و آمد خودم می‌شد. چون فاصله رفت و برگشت بین شاهین شهر و اصفهان حدود ۸۰ کیلومتر است .

س- هر دو روز ۱۲ ساعت در بیمارستان کار می‌کردید؟

ج- ۲۴ ساعت کار می‌کردم، ۴۸ ساعت آزاد بودم. ۱۲ ساعت بعدی را ناگزیر بودم خودم سرکار حاضر باشم . چون شبها بود.

س- خانه را چقدر فروختید؟

ج- یک میلیون و سیصد هزار تومان .

س- این پول را چکار کردید؟

ج- ۶۵۰ هزار تومان دادم یک وانت نیسان خریدم، ۵۵۰ هزار تومان هم یک خانه رهن کردم. بقیهش را هم بابت بخشی از بدهی‌هایم پرداختم .

کوشه ای از شرایط طاقت فرسای زندگی در ایران از زبان یک کارگر تاسیساتی

که معمولاً "حقوقهای بالایی میپردازند مشغول باشید."

چـ اینها همه در ذهن شما عملی است واقعیت این نیست. اولاً" با کدام سرمایه کارهای تاسیساتی را کترات می‌کردم. ثانیاً" افرادی که مایل باشند در این کار سرمایه گذاری کنند با مهندسان و شرکتهای تاسیساتی شریک میشوند نه با یک کارگر، سوم این که قبلاً" هر کجا هم برای کار مراجعه کردم میخواستند هفتتای ۴۰۰ تومان به من بدهند آن هم با ترجمه این مبلغ حتی پول سیگار من هم نمیداد.

در بخش دیگری از مصاحبه، وی با اشاره به افت تحصیلی فرزند دومش و اینکه همیشه دلش میخواست بجهایش وارد دانشگاه شوند، میگوید:

۰۰۰ خدا شاهد است بجهایم خیلی بااستعدادند. همین پسر دوم تا سوم راهنمایی معدلش از ۱۸ کمتر نبود ولی امسال دیدم یکباره افت کرد.

مدرسه مرا خواست معلمش خیلی تعجب کرده بود می‌گفت مگر در خانه من چه اتفاقی افتاده که این بچه یک دفعه افت کرده است. چه می‌توانستم بگویم اتفاق خاصی در خانم رخ نداده بود. محیط نا مناسب محل در کنار بی پولی و بدهی‌های وحشتناک بچه را به این روز انداخته بود. من درد خودم

را حس می‌کردم. شما خودتان را جای من بگذارید، به عنوان یک پدر و یک همسر می‌خواهید وظیفتان را انجام بدهید؟ وقتی ندارید بدهی بقال سر کوجمتان را هم بدهید، وقتی در مقابل وضعیت لباس و خورد و خوراک زن و بچه‌هایتان همیشه شرمندتاید، وقتی بدهیهای متفرقه ولی انبوه خود را به دوست، آشنا، فامیل و همسایه نمی‌توانید بپردازید، چطور می‌توانید همه جانبه به فکر درس و مشق بچه‌هایتان باشید؟ بی پولی و خجالت، درد تحمل ناپذیری برای یک پدر و همسری است که می‌خواهد مسئولانه بدهی‌ها و وظایفش عمل کند.

سـ چه کسی را در این مورد مقصر می‌دانید؟

چـ چه کسی را باید مقصر بدانم؟ مثلاً" دولت را. دولت مگر شرایط زندگی من و امثال من را درک نمی‌کند؟ حتماً" درک می‌کند و بارها هم از بدبختی ماها حرف زده است. ولی از آن طرف سوسید تولیدات همه

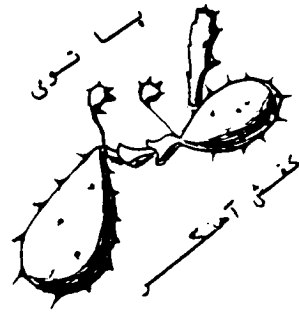
کارخانها را برداشته و گفته تولیداتتان را با قیمت آزاد به مردم بفروشید. خوب، در این شکل من کارگر، باید نصف در آمد سالانم را مثلاً" برای خرید یک دستگاه کولر بدهم. سایر تولیدات هم همینطور. هیچکس با این حقوقهایی که دولت می‌دهد نمی‌تواند زندگی کند. حتی با کار دوم هم زندگی راحت برای کسی مقدور نیست. اگر هم ادانه زندگی می‌دهند حتماً" با زیانهای دیگری همراه است. من نه معتاد هستم، نه مریض و نه ریخت و پاش دارم. یک کارگر فنی تاسیساتی هستم و حدود ۲۸ سال هم هست روزی ۱۰ تا ۱۵ ساعت یک روندگار کردم. با این همه کار در نهایت مبلغی دست مرا می‌گیرد که اگر بین افراد خانواده سرشکن کنم سهم هر نفر در ماه هزار تومان نمی‌شود. یعنی به هر نفر در روز ۲۲ - تومان می‌رسد. با این ۲۲ تومان یک بسته بیسکویت از دکه سر کوجه نمی‌توانی بخری چه رسد به اینکه بخواهی به هفت سر عائله در روز سه وعده غذا بدهی.

در بخش پایانی مصاحبه، وی خطاب به رئیسنجانی، رئیس جمهوری اسلامی، می‌گوید:

"۰۰۰۰۰۰ دولت باید یک مقدار سوسیدها را تحمل بکند تا افرادی مثل من بتوانند ادامه حیات بدهند. مردم دارند زیر فشار نرخهای سرسام‌آور مایحتاج زندگی خرد می‌شوند. قدرت خریدشان با این ارزشهای ترجیحی و رقابتی که نمی‌دانم چی هستند صفر می‌شود. حقوقهایی که دولت می‌پردازد کفاف ۵ روز هزینه یک خانوار را نمی‌کند. خود آقای رئیس جمهور حتماً" به این مسائل توجه دارند. ولی نمی‌دانم چرا تصمیم جدی گرفته نمی‌شود. الان فروشندگان حاکم بر خریداران هستند.

خریداران اصلاً" حق اعتراض ندارند. حتی وقتی دولت خودش قیمت یک کالایی را اعلام می‌کند البته بغیر از اجناس کوبنی فروشندگان این قیمتها را به مسخره می‌گیرند. فشار تورم دارد هممان را نابود می‌کند. حالا من یک خانه داشتم که این کار را کردم خیلی‌ها هستند که حتی این خانه را هم ندارند." □

گفت: فعلا" خستام، دیر وقت است. چراغو خاموش کن، بکیر خواب ! خوابیدم، گرم خواب بودم که ناگهان در اثر اصابت مشتش به چانغام سراسیمه از خواب پریدم و پرسیدم ۰۰۰ چه شده؟ گفت: زیادی " خرو پف " میکی ۰۰۰۰



۹۰/۱۱/۲۷ جوز علی □

درخواست هواداران جبهه ملی از دولت جمهوری اسلامی

کتاب راسیستی خانم بتی محمودی لاقل در آلمان رکوردپرفروش ترین کتابهای سال را شکست، با این وجود واکنش چندانی از جانب ایرانیان خارج کشور علیه آن صورت نگرفت . اما نباید از حق گذشت، در این میان عکوالعمل هواداران جبهه ملی ایران در ساره این کتاب استثنا است. رنمو به سب استثنایی بودن نظر هواداران این جبهه، کلبشهای از درخواست نامه آنها را که در هفته نامه "کیمیا لندن" مورخه پنجشنبه ۲۶ مهر ۱۳۶۹ به چاپ رسیده، عینا" در زیر میآورد، تا خوانندگان عزیز صفحه" پاتوی گشتی آهنگر" از خواندن آن بهره نمانند.

صفحه ۲ - Page 2 - شماره ۳۲۴
پنجشنبه ۲۶ مهر ۱۳۶۹ خورشیدی

کیمیا لندن

سازمان هواداران جبهه ملی:

جمهوری اسلامی مسئول رسمی دفاع از فرهنگ و شرف ایرانی در برابر کتاب و فیلم «بدون دخترم، نه» می باشد

جای دنیا اتفاق بیافتد ولی ایشان ناجوانمردانه مسائل شخصی خود را عمومی جلوه دادهاند به طوری که برای هر خواننده کتاب، فرهنگ و تمدن ایرانی زیر سؤال قرار می گیرد. کتاب فوق با مهارتی بسیار و غرضی فراوان نوشته شده که حتی از تمسخر دین مبین اسلام نیز خودداری ننموده است .

درنامه سرگشاده سازمان هواداران جبهه ملی ایران خبر داده شده است که متأسفانه مضمون این کتاب در امریکا به صورت يك فیلم سینمایی درآمده و سال آینده در اروپا به نمایش گذارده خواهد شد و این جنجال بی سابقه و کینه نوزی، باعث آبروریزی و سرشکستگی ملت ایران و بویژه هموطنان خارج از کشور می باشد.

سازمان هواداران جبهه ملی ایران با ارسال نامه سرگشاده‌ای به ایرانیان، مقامات جمهوری اسلامی، جمعیت ها و سازمان های سیاسی و فرهنگی و شخصیت های سیاسی، از آنان خواسته است تا بدون توجه به درگیری های سیاسی، دربرابر انتشار کتاب و بدون دخترم، نه که فرهنگ اصیل ایرانی را لکه دار ساخته است مشترکا عکس العمل جدی نشان دهند و در سراسر دنیا از شرف ایرانی و فرهنگ ملی ایران دفاع کنند.

در بخشی از این نامه سرگشاده آمده است:

«در دو سال گذشته همسر آمریکائی يك ایرانی، با همکاری يك نویسنده آمریکائی کتابی را به چاپ رسانده که یکی از پرفروش ترین کتاب های سال های گذشته شده است. این کتاب که به اکثر زبان های غربی ترجمه شده سخن از بی فرهنگی، توحش و بی نوایی ملت ایران دارد. هر چند مشکل این خانم يك مساله زنشونوی است که می تواند در هر

ارشاد رفیقانه

از رفقای سابقم بود، بعد از چند سال دیدمش، پرسید:

- چه میکی؟ با جریان و کسی که کار نمیکی؟

- نه بطور مستقیم، گهگاهی، اگر کاری از دستم برآید پراکنده و جانی، - هنوز که عاقل نشدای، ول کن - برو دنبال راه تازه ۰۰۰ اینا ۰۰۰ گفتم هر چه باشد از رفقای قدیمی است، تجربیاتش بیشتر است، بد سرا که نمیخواهد. قبول کردم و با هیچکس حتی کار پراکنده و جانی نکردم . بعد از مدتی دوباره همدیگر را دیدیم. پس از روبوسی پرسید:

- چطوری؟ چه میکی؟

گفتم: با برخی از بچههای سابق که با کسی و جریانی کاری نمیکنند،

کارهای نمکراتیک میکم (گفتم حتما" تشویق می کند)

گفت: هنوز که عاقل نشدای - ول کن، برو دنبال راهی که نتیجهای داشته باشد. اینا همون دکمهای سابق را هنوز با خودشان بیک میکنند اینا ۰۰۰

گفتم: هرچه باشد از رفقای قدیمی است، تجربیاتش بیشتر است. بدمرا که نمیخواهد، قبول کردم و کارم را نیمه کاره ول کردم.

بعلاز مدتی مرا دید و پرسید: چه میکی؟

- گاهی مطلبی برای فلان نشریه میفرستم، چاپ می کند.

گفت: هنوز که عاقل نشدای، نشریه قحطی است اینا هنوز فک می کنند که مرکز دنیا هستند. برو بی کاری که در جامعه اثر و ریشهای داشته باشد.

گفتم هر چه باشد از رفقای قدیمی است . تجربیاتش بیشتر است. بد مرا که نمیخواهد. قبول کردم و ول کردم. پس از مدتی برای دیدنش جانناش رفتم گفت : چطوری - چه میکی؟

- هیچ ، خانه نشینم - گاهی در محافل بحث آزاد شرکت می کنم، صحبت می کم ۰۰۰

گفت: تو آدم بشو نیستی، الان که وقت حرف زدن نیست. آدم قحطی است، برای که حرف میزنی ؟ اینا به حرف احدی گوش نمی دهند ۰۰۰

گفتم هرچه باشد از رفقای قدیمی است، تجربیاتش زیاد است، بد مرا که نمیخواهد، ولی با هر خجالتی بود پرسیدم . میکی چکار کم ؟

درخواست هواداران جبهه ملی از دولت جمهوری اسلامی



خوب خوانندگان گرامی شما هم حتماً چون رندو از خواندن این "نامه سرگشاده" فیض بردید. از شما چه پنهان، پس از فیض بردن از خواندن این نامه، کوششهای فراوانی را به کمک نیروهای نفوذی خود به کار بردیم تا به جوابیه دولتمردان جمهوری اسلامی به این درخواست نامه بی بریم. و بالاخره با سعی وافر موفق شدیم، جوابیه مقامات جمهوری اسلامی را از زبان دادستان کل جمهوری اسلامی که به صورت محرمانه برای وزارت خارجه، وزارت امنیت و اطلاعات، وزارت کشور، سپاه پاسداران و ... جمهوری اسلامی و همچنین به هواداران جبهه ملی ایران ارسال شده بود، به کف آوریم و آنرا در اختیار شما بگذاریم. زیر این جوابیه را میخوانید.

اطلاعیه مهم دادستانی کل کشور

بسیار محرمانه

بسمه تعالی

اخیراً یکی از دستجات ناسیونالیست که سنگ "مقامات ملی" را به سینمیزند، بر اثر ناتوانی و زبونی خود در پاسخگویی، عاجزانه از دولت قدرتمند جمهوری اسلامی ایران تقاضای پاری کرده است. حکومت جمهوری اسلامی که همواره درهای رحمت و مرحمتش بیرونی همه صلحین ملتس و از جمله هواداران جبهه ملی باز است، به این خواهش ملتسانه نیز عنایت فرموده و به وظیفه اسلامی خود در مقابل این پناهجویی عمل نمیداند. از اینرو مجریه بتول محمودی معروف به بتی محمودی را به دلایل زیر ضدضدالارض و محارب با خدا و رسولش بیروی زمین اعلام میدارد.

۱- خروج از منزل و کشور بدون اجازه شوهر شرعیاش - ۲۴۲ ضربه شلاق + ۱۰ سال سنگار .

۲- اخراج غیر قانونی از کشور - ۵ سال زندان .

۳- به اتهام ربودن دختر برادر محمودی - ۲۰۰ ضربه شلاق + ۵ سال زندان .

(قابل خرید در مقابل ۴ بار شتر طلا یا دلار) .

۴- اهانت کتبی به دین مبین اسلام در کتاب ظالمات - اعدام

۵- روابط نامشروع با مردان اجنبی و نامحرم برای فرار - سنگار + اعدام (بسمه صورت حلق آویز) .

- ۶- ننگناشتن عیسه - ۲۵۲ ضربه شلاق .
- ۷- طبق اعتراف صریح بسر بردن با مردان غریبه در محیط درسته هنگام فرار ۴۰۰ - ضربه شلاق + سنگار .
- ۸- پناه بردن بر خلاف میل شوهر شرعیاش به سفارت دول بیگانه - ۵۰۰ ضربه شلاق .
- ۹- بلوکه کردن اموال و ثروت برادر محمودی در آمریکا که هر مؤمنی را به یاد ظلمت دولت ایران و بلوکه شدن اموال و دارایی های آن میاندازد - ۱۸ سال زندان حکم نهایی :
- ضعیفه بتول معروف به بتی، بنت جو، اهل میشگان ، زوجه شرعی برادر حزب الله محمودی جمعا" به ۱۵۹۵ ضربه شلاق ، ۲ بار سنگار، ۲۸ سال زندان و ۲ بار اعدام محکوم میگردد .

والسلام

دادستانی کل جمهوری اسلامی ایران

رندو (دسامبر ۱۹۹۰)

سرود همبستگی

همبستگی ما را .

اگر واقعاً برآسیم که به هدف برسیم

به حمایت تو و نواحتیاج داریم
جز خود، کسی دیگری را تنها رها نمیکنی
اگر از همگان خودگناره گیری .

به پیش ، ازخا طرفینبریم
درجیست قدرتمان
بگا هگرسنگی با به هنگا مسیری
به پیش ، وازخا طرفینبریم
همبستگی ما را .

سروران ما ،

آنها که بر ما حاکمند
امید دارند که بگویم گویای ما با بان نگیرد .
تا متفرق و تهمیقمان کنند
و همچنان سرور ما نند .

متحدشویدای همه آدمیان روی زمین
در راه تلاش برای آرمان مشترک
تا حملگی تا ابد سیر ما نیم

به پیش ، ازخا طرفینبریم
که درجیست قدرتمان
بگا هگرسنگی با به هنگا مسیری
به پیش ، وازخا طرفینبریم
همبستگی ما را .

سپاه ، سپید ، قهوه ای ، زرد !
نژادهای کهنه را کناره رهنمید
وقتی با یکدیگر سخن بگوئید
از یک دل و جان خواهید شد .

به پیش ، ازخا طرفینبریم
که درجیست قدرتمان
بگا هگرسنگی با به هنگا مسیری
به پیش ، وازخا طرفینبریم

به پیش ، ازخا طرفینبریم
درجیست قدرتمان
بگا هگرسنگی با به هنگا مسیری
همبستگی ما را .

کارگران سراسر جهان ،
متحدشوید و آزادی را به کف آرید
لشکر قدرتمند ما
هرگاه نون ستمگری را درهم خواهد شکست .

به پیش ، ازخا طرفینبریم
درجیست قدرتمان
بگا هگرسنگی با به هنگا مسیری
به پیش ، وازخا طرفینبریم
همبستگی ما را .

بیرتولت برشت

برگزاری اولین کنگره قانونی 'کنگره ملی آفریقا' در آفریقای جنوبی

منظور از این موانع، قوانین نژادپرستانه و ضد دمکراتیکی است که هنوز با وجود مذاکرات به قوت خود باقی هستند و دولت دنگرک می‌کوشد با حفظ این قوانین، قانون اساسی جدیدی را به نفع نژادپرستان تدوین نماید. (۱) از طرف دیگر در رابطه با کنار گذاشتن مبارزه مسلحانه از سوی کنگره ملی آفریقا، اکثریت نمایندگان حاضر در کنگره بر این عقیده بودند که می‌بایستی اعضا و هواداران "ANC" نیروهای مستقل دفاع از خود تشکیل دهند که در آنها چریک‌های این سازمان نقش فعالی را بازی کنند. این امر با توجه به رشد حملات و جنایات اخیر نژادپرستان و قبیله زولو که منجر به کشتار بیش از ۳۰۰۰ نفر در سال ۹۰ کشته مورد تاکید قرار گرفت. لازم به ذکر است که چنین موضعی در یکی از بندهای قطع نامه کنگره مورد تصریح قرار گرفت. در خانه کنگره، سال ۹۱ را سال آکسیون‌های توده‌ای جهت انتقال قدرت به مردم اعلام نمود.

۱- برای اطلاع بیشتر در این باره می‌توانید به پیش شماره ۱۰ صفحه ۱۹ رجوع کنید.

در اواسط دسامبر کنگره ملی آفریقا (ANC) نخستین گردهمایی وسیع خود را در خاک آفریقای جنوبی برگزار نمود و با صدور قطعنامه‌ای در روز ۱۶ دسامبر کار خود را به پایان رساند. در این گردهم آیی که با شرکت ۱۶۰۳ نماینده از داخل و خارج آفریقای جنوبی بود - پیوست، خطوط استراتژیک این سازمان برای سال ۹۱ ترسیم گردید. در طی کنگره ضمن انتقاد به مواضع و عملکردهای رهبری کنگره ملی آفریقا، موضع قاطعتری نسبت به رژیم آپارتاید و مذاکرات تا کنونی فی مابین ANC و این رژیم اتخاذ شد. در قطعنامه پایانی آمده است: "رژیم آپارتاید در طی ماههای گذشته نشان داد که از هدف ما یعنی ایجاد یک آفریقای جنوبی دمکراتیک حمایت نمی‌کند، بر عکس حکومت دنگرک قصد دارد نژاد پرستی و تسلط سفیدپوستان را با شکل جدیدی استوار سازد." علاوه بر این به حکومت مهلت داده شده که تا اواخر ماه آوریل سال ۹۱، تمامی موانع برای تدوین یک قانون اساسی جدید را بر طرف سازد، در غیر اینصورت "ANC" ادامه مذاکرات فی‌مابین این کنگره و دولت را بی‌حاصل قلمداد می‌کند.

اطلاعاتی در باره اقدامات دولت اسپانیا بر ضد مهاجرین و پناهندگان

نابذیری تبدیل شده است. چنانکه هم اکنون بنا به آمار رسمی دولتی حدود ۳۰۰۰۰۰ خارجی به صورت غیر قانونی در اسپانیا بسر می‌برند. اینان علاوه بر اینکه از هیچ گونه حقوق اجتماعی برخوردار نیستند و هر آن در بهره‌دستی، مجازات‌های دولتی و استرداد به محل اقامت اولیه خود قرار دارند. همچنین با فقر و فلاکت، بی‌سرنواهی و گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند. چنانکه هزاران تن از مهاجرین بخصوصی سیاه پوستان به سبب فقر مالی و بی‌امکانی، بناچار در میدان نام "Plaza Espana" و پارکهای اطراف آن زندگی می‌کنند و بناچار در این فصل سرما شبهای سرد و طولانی را در فضای باز به روز می‌رانند. سرما، بی‌سرنواهی، سوءتغذیه و شرایط غیر بهداشتی، بسیاری از آنان را به بیمارهای گوناگون دچار کرده است. علاوه بر این دستجات و باند های نژادپرست اخیراً تعرضاتی را بر علیه این مهاجرین سازمان داده و عداوتی از آنان بر اثر تهاجمات دستجات فوق مجروح و بستری شدند. دولت اسپانیا که خود به وسیله تدوین قوانین ضد خارجی و تبلیغات ضد پناهندگی گرایش نژادپرستانه را دامن می‌زند، اخیراً توسط وزارت کشور، راه حل مقابله با رشد گرایش راسیستی در اسپانیا را در این

دولت اسپانیا چه از طریق تدوین و تصویب قوانینی بر علیه مهاجرین، چه از طریق تبلیغات ضد پناهندگی و نژادپرستانه در وسایل ارتباط جمعی و چه از طریق اخراجهای مستمر خارجیان، فشارها و محدودیتهای فراوانی را نسبت به مهاجرین و پناهندگان آسیائی، آفریقائی و آمریکائی لاتین ایجاد نموده است. قانون ژوئیه ۱۹۸۵ این کشور درباره خارجیها، نمونه‌ای از غیر انسانی‌ترین قوانین درباره خارجیها در سطح اروپای غربی است. مهاجرین مطابق با این قانون همواره به دید یک مشکل برای جامعه اسپانیا نگریسته می‌شوند و فرد مهاجر و پناهنده در هر لحظه مشکوک و مظنون به اعمال غیر قانونی، نزدی، قاچاق مواد مخدر، جنایت... و حتی تقابل با رسومات اهالی اسپانیا، در نظر گرفته می‌شود. اساساً تدوین این چنین قانونی جهت کنترل وزیر فشار قرار دادن مهاجرین و باز گذاشتن دست مقامات دولتی برای دستگیری و اخراج آنها صورت گرفته است. دولت اسپانیا بندهای قانونی در رابطه با پذیرش مهاجرین و پناهندگان را چنان محکم کرده است که امکان دریافت اجازه اقامت به امر امکان

اطلاعاتی در باره اقدامات دولت اسپانیا بر ضد مهاجرین و پناهندگان

نوامبر در منطقه‌ای بنام "muelle de santacatalina" بر روی آب مشاهده میشود.

کمیسیون کلهک به پناهندگان در قناریا (CEAR) تحقیقاتی را در این رابطه آغاز کرده است و وکیلی از این کمیسیون در مصاحبهای با آژانس خبری EFE نگرانی خود را نسبت به اخراجهای بیرویه دولت ابراز نمود.

قابل ذکر است که طبق قانون، به هیچ عنوان نمیتوان از یک کشتی بازرگانی جهت اخراج مهاجرین استفاده نمود، بخصوص زمانی که آنان هیچگونه مدرک شناسایی نیز همراه نداشته باشند.

در همین رابطه به گزارش روزنامه "Diario 16" مورخه (۹/۱۱/۱۷) کمیسیون کلهک به پناهندگان در اسپانیا شکایت نامطای را در رابطه با اخراجهای بیرویه و بطور خاص اخراج پناهندگانی که به حادثه ۱۰ نوامبر ختم شد به مجمع "مدافع خلق" (۱) ارائه داده است. همچنین اتحادیه کارگران "UGT" شکایت نامطای را در رابطه با "به زور سوار کردن مهاجرین در کشتی بازرگانی، دستبند زدن به آنها و استعمال مواد آرام بخش و یا مواد مخدر به آنها" ارائه داد.

"Medina Sosa" مسئول سندیکای بین المللی کارگران حمل و نقل گفت: "خارجیانی که فاقد اجازه اقامت در اسپانیا بودند و حکم اخراجشان توسط نماینده دولت در پالما صادر شده، بر کشتی تجارتي سوارشان کردند و سپس به آنها دست بند زدند و برای آنکه بدون تحرك وآرام بمانند به آنها مواد مخدر و یا ناروی آرام بخش تزریق کردند." این مسئول کارگری همچنین تاکید کرد که "این اعمال با آگاهی مسئولین دولتی انجام میشوند".

خود دولت نیز با صدور حکم اخراج مهاجرین نقش خود را در این اعمال کتمان نمیکند. چنانکه نماینده دولت در قناریا Anastasia Travies در مصاحبهای با آژانس خبری EFE اظهار داشت که حکم اخراج آفریقایی های مذکور در کشتی مورد بحث صادر شده و این اشخاص توسط همان کشتی به قناریا آمده بودند.

وی همچنین خاطر نشان ساخت "زمانی که نحوه ورود غیر قانونی یک فرد بوسیله پلیس مشخص شود، اخراج وی به عهده مسئولین مهاجرت است، و هیچ وظیفهای در رابطه با کنترل نحوه اخراج وی وجود ندارد، مگر آنکه مسئول کشتی درخواست نماید".

مسئول کمپانی که کشتی مورد بحث متعلق به آن است نیز در مصاحبهای با آژانس خبری EFE گفت "سوار کردن پنج خارجی مذکور طبق توافقی

یافته است که مرزهای کشور را کاملا ببندد و از ورود خارجیان جلوگیری کند. با این استدلال سخره که وقتی بر تعداد خارجیان افزوده نشود رشد نژاد پرستی نیز به خودی خود کنترل شده واز بین خواهد رفت. بنا به آمار دولتی حدود ۹۰۰ هزار خارجی در اسپانیا زندگی و کار میکنند که این تعداد کمتر از ۱/۵ درصد از جمعیت اسپانیا را تشکیل میدهند. بخش اعظم خارجیانی که اجازه اقامت رسمی در اسپانیا را دارا میباشند از اهالی کشورهای بازار مشترک میباشند. بنا به آمار رسمی تنها در سال ۱۹۸۹، دولت اسپانیا ۸۰۰۰ مهاجر را به اصطلاح قانونا اخراج نموده و در همان سال ۴۳ هزار تن را بلافاصله از مرز پس داده است. این تعداد تازه به جز افرادی هستند که به صورت غیر قانونی و با روشهای مافیائی از اسپانیا بیرون ریخته میشوند.

در رابطه با اخراجهای غیر قانونی مهاجرین از اسپانیا اخیرا از طریق یکی از رفقای پناهندگان که ساکن اسپانیاست، اخباری از رسانههای اسپانیایی برای ما ترجمه و ارسال شده که خلاصهای از آنها را در این شماره پویش به چاپ میرسانیم.

دولت اسپانیا علاوه بر اخراجهای به اصطلاح قانونی مهاجرین هم چنین به انحاء مختلف میکوشد تا به صورت غیر قانونی و پنهان از انظار سازمانهای طرفدار حقوق خارجیها و نیروهای کارگری اسپانیا، مهاجرین و پناهندگان را اخراج نماید. این دولت هر زمان شرایط پيچیده و غیر انسانی را برای اخراج مهاجرین سازمان میدهد. از جمله آخرین سیستم غیر انسانی شناخته شده برای اخراج آنان همانا ارسال پنهانی مهاجرین به وسیله کشتیهای تجارتي، به زور خوراندن یا تزریق مواد مخدر برای آرام نگاهداشتن آنها و استردادشان به کشورهای که از آنها بگریختند میباشد.

بر طبق اخبار رسیده، روز ۱۰ نوامبر سال ۱۹۹۰، حکم اخراج ۵ نفر از اهالی آفریقا که بناچار بطور غیر قانونی در جزایر قناریا به سر میبردند، توسط نماینده دولت اسپانیا در قناریا صادر شده و جهت اجرای حکم آنها را به زور سوار کشتی "پانامینو" به Suma Reefer در بندر پالما میکنند.

در لحظهای که کشتی مذکور در حال ترك بندر پالما به مقصد مورتانیاسا و خلیج گینه بود، چهار نفر از این ۵ تن خود را به آب میاندازند. سه نفر از آنان توسط نیروهای امنادی از آب گرفته میشوند، ولی نفر چهارم غرق میشود. جنازه این قربانی (محمد ۰۰ م، ف، ۲۸ ساله) روز ۱۱-

اطلاعاتی در باره اقدامات دولت اسپانیا بر ضد مهاجرین و پناهندگان

نیست، این روش اخراج، علاوه بر اخراج خارجیان غیر قانونی دیگری است که از طریق فرودگاه به طور روزانه صورت میگیرد.

یادداشت:

۱- "مدافع خلق" جمعی است که توسط مردم انتخاب میشود. و هر فردی میتواند شکایات خود در رابطه با مقامات دولتی را به این نهاد ارائه دهد.

بین پلیس و مسئولین کشتی صورت گرفته است. سخنگوی پلیس پالما نیز در مصاحبهای با آژانس فوق اظهار داشت: مهاجرین بسیاری از طریق دریا به جزایر قناریا وارد میشوند و هنگامیکه بنوانیم نحوه ورودشان را مشخص کنیم، آنها را بوسیله شرکتی که آنها را آورده است، باز میگردانیم. وی در ادامه سخنانش به این واقیعت چندش انگیز اعتراف کرد که: این روش اخراج از مدتها پیش رایج بوده است و امر جدیدی

کنفرانس وزرای داخلی آلمان

ایالت بایرن به تنهایی این ابزار را جهت کنترل "PDS" به خدمت خواهد گرفت. اما اکثریت وزرای داخلی ایالتها با این پیشنهاد مخالفت نموده و تصمیم گرفتند تا آخر ژانویه ۱۹۹۱ با استفاده از "اطلاعات عمومی قابل دسترس" بررسی نمایند که آیا "PDS" را میتوان بعنوان حزبی که بر علیه قانون اساسی آلمان است، قلمداد نمود یا خیر.

یادداشت

(۱) - "حزب سوسیالیسم دمکراتیک" (در واقع باقی مانده "حزب متحد سوسیالیست" (SED) به رهبری اریش هونکر میباشد. این حزب تا سال ۱۹۸۹ بر کشور آلمان شرقی حکومت می نمود. با تغییر و تحولات آلمان شرقی اعضای این حزب در تاریخ ۹ تا ۱۷ دسامبر ۸۹ در کنفرانس فوق العادتهای نام حزب خود را به "PDS" کسه مخفف "Partei des demokratischen Sozialismus" میباشد، تغییر دادند. بعد از الحاق آلمان شرقی به آلمان غربی، حزب فوق به یکی از احزاب اپوزیسیون تبدیل شد و در انتخابات گوناگون شرکت نمود. "PDS" در انتخابات سراسری مجلس آلمان که روز ۲ دسامبر ۹۰ بوقوع پیوست، توانست با کسب ۲۴ درصد آرا ۱۷ نماینده از طرف خود به مجلس سراسری آلمان بفرستد. هم اکنون دولت ائتلافی می کوشد که انحاء مختلف این حزب را تحت کنترل و فشار قرار دهد.

کنفرانس وزرای داخلی ۱۶ ایالت آلمان در تاریخ ۱۶ دسامبر ۹۰ در شهر "دردن" برگزار شد. بنا به اخبار رسانها، وزرای داخلی آلمان در این کنفرانس بر سر تغییر بنیادی قانون پناهندهگی به توافقنامی رسیدند. اما لاقلاً تا زمان نگارش این خبر، درباره چگونگی این تغییر بنیادی اطلاعات دقیقی به بیرون درز پیدا نکرده است.

یکی از موضوعات دیگری که در این کنفرانس مورد توجه وزرای داخلی آلمان قرار گرفت، چگونگی برخورد به "حزب سوسیالیسم دمکراتیک" (P.D.S) بود. (۱)

در این کنفرانس حول این امر که آیا حزب فوق بر علیه قانون اساسی آلمان میتواند قلمداد شود یا خیر بحثهایی صورت گرفت. (بر طبق قانون اساسی آلمان حزب و یا جریانی که مخالف قانون اساسی این کشور باشد غیر قانونی محسوب میشود):

وزیر داخلی بایرن (اشتویبر) که از اعضای اتحادیه سوسیال مسیحی (CSU) میباشد، پیشنهادی به کنفرانس ارائه داده بود که "PDS" به کمک وسایل استراق سمع و کنترل پلیس مخصوصی کاملاً تحت نظر قرار گیرد. و این به معنای کنترل نامها، تلفنها و تمامی ارتباطات و عملکرد های این حزب از طریق دولت میباشد. اشتویبر همچنین تهدید نموده بود که در صورتی که پیشنهاد وی با اقبال سایرین روبرو نگردد، دولت

شرکت در انتخابات حق مسلم مهاجرین و پناهندگان است

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

به ظاهر متدین ، مهریه دخترش به تعداد آیات قرآن ، ۶۶۶۶ سکه بهار آزادی است ، نتیجه این میشود که جوانان دیگر ما نتوانند ازدواج کنند و مفاسدی بروز کند .

○○○

گسترش روابط دول ایران و فرانسه

يك روز بعد از اینکه کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور و تصویب قطعنامه‌ای ، رفتار ضد انسانی رژیم جمهوری اسلامی و نقض حقوق بشر به وسیله این رژیم را محکوم کرده بود ، ولایتی وزیر امور خارجه رژیم در رأس يك هیات ۸۳ نفره به پاریس سفر کرد .

ولایتی در این سفر که از ۱۴ تا ۱۶ آذر (۵ تا ۷ دسامبر)

طول کشید با رولان روها وزیر خارجه و میتران رئیس جمهور فرانسه دیدار نمود . قابل ذکر است که برای اولین بار پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی ، دولت فرانسه رسماً وزیر خارجه رژیم ایران را در خاک خود می‌پذیرد .

دولت فرانسه که در بحران خلیج فارس و تحریم دولت عراق ، مبادلات تجارتي بسیار سودمند خود را با این دولت از دست داده است ، می‌کوشد به هر طریق ممکن بخشی از بازار ایران را به خود اختصاص دهد و در رقابت با سرمایه‌داران ایتالیایی ، آلمانی ، ژاپنی و ۰۰۰۰ سهم بیشتری از ۱۲۰ میلیارد دلار هزینه " باز سازی ایران " را به خود اختصاص دهد .

در چار چوب گسترش روابط دول ایران و فرانسه ، اخیراً " نیز بانک " سوسیته ژنرال فرانسه " میزان منابع مالی برای سرمایه گذاری در شرکت ملی پتروشیمی ایران را از ۱/۸ میلیارد دلار به ۲/۲ میلیارد دلار افزایش داده است . لازم به یادآوری است که این بانک در اوایل ماه سپتامبر قرار داد ارائه وام ۱/۸ میلیارد دلاری به رژیم جمهوری اسلامی جهت سرمایه گذاری در اجرای طرحهای پتروشیمی را با بانک مرکزی ایران و شرکت پتروشیمی منعقد نموده بود .

○○○

گشتی سپاه پاسداران ، صف مسافران منتظر اتوبوس را هم به خون کشید در خیابان سعدی جنوبی ، تویوتای سپاه پاسداران با سرعت زیاد از خط ویژه اتوبوس به صف مسافران منتظر اتوبوس کوبید ، ۳ تن را به قتل رساند و تعداد دیگری را در خون غرقه ساخت .

اعتصاب معلمان استان اصفهان

از روز شنبه ۲ آذر ماه معلمان و کارمندان آموزش و پرورش در استان اصفهان به منظور افزایش حقوق ، دست به اعتصاب زده و معلمان راهنمایی و دبیرستانها از رفتن به سر کلاسهای درس خودداری کردند . روز سمنه ۶ آذر ماه آموزگاران مدارس ابتدائی نیز به جمع اعتصابیون پیوستند .

با این اعتصاب گسترده که همزمان در شهرهای اصفهان ، شهرضا ، دهقان ، سمیرم بوقوع پیوست ، عملاً " سیستم آموزشی این استان از کار افتاد . لازم به توضیح است تا زمان دریافت این خبر (۲ آذر) اعتصاب همچنان ادامه داشته است .

○○○

مرگ يك دختر بچه دانش آموز در اثر ضربات معلم

معلمی آنقدر دختر بچه دبستانی را کتک زد که جان سپرد . این حادثه تأسف آور در یکی از دبستانهای حومه اهواز صورت گرفته است . خشونت و تنبیه بدنی ، حتی بخاطر يك سخن دانش آموز که به مذاق معلم خوش نیاید ، همیشه چه در زمان رژیم شاه و چه رژیم جمهوری اسلامی یکی از ابزارها و شرکدهای معلمان در ایران برای در انقیاد در آوردن دانش آموزان بوده است . این وضعیت به خصوص با سلطه حزب اللهها بر مراکز آموزشی به مراتب شدیدتر شده است . علاوه براین در ایران کتونی آشفتگی وضع آموزش و پرورش ، شلوغ بودن کلاسهای درس ، فشارهای مالی و سایر فشارهای اجتماعی ، اقتصادی به معلمان و عدم آشنایی آموزگاران به اصول آموزش و پرورش ناهنجاریهای فراوانی را در محیط مدارس بوجود آورده است . قتل این کودک تنها یکی از نمونههای این ناهنجاریهاست که مسئولیت مستقیم همه آنها متوجه دولت جمهوری اسلامی است .

○○○

کوشهای از اعتراضات نمایندگان مجلس

فخرالدین حجازی در جلسه ۱۴ آذر ۶۹ مجلس اسلامی گفت : " وقتی در کشور ما ، پولدارها ۱۷۴ برابر بی‌پولها گوشت مصرف می‌کنند و پولدارها ۲۳۰ برابر بی‌پولها ، میوه مصرف می‌کنند ، وقتی حداقل درآمد در کشور ما ، روزی ۵۰ تومان و حداکثر درآمد ، روزی يك ميليون تومان است ، ما نمیتوانیم این ام‌القری را مستحکم نگهداریم و با خم بچنگیم . در ساله ازدواج وقتی در يك شهر ، يك نفر پولدار

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

حراست را به فرمان می‌خواند، مأمور فوق در نقش می‌غصب وارد صحنه میشود و با قلدی اسلحه کمری خود را می‌کشد و با شلیک گلوله‌ای ارباب رجوع را به قتل می‌رساند.

خبر کوتاه است و قتل به سانگی در عرض چند لحظه به وقوع می‌پیوندد. به قتل رسیدن ، با قهر و سرکوب و نیستی روبرو شدن، حتی به خاطر تقاضای رسیدگی به يك مشکل اداری، به خاطر ارباب رجوع بودن در ایران زیر سلطه جمهوری اسلامی سایه سیاه خود را بر هستی و زندگی مردم زیر ستم ایران تحمیل نموده است .

گزارش اخیر امنیستی بر علیه نقض حقوق بشر در ایران

طبق گزارش سازمان عفو بین المللی (امنیستی انترنشنال) کسه در تاریخ ۵ دسامبر ۹۰ انتشار یافته است، در ظرف ۳ سال اخیر بیش از ۵۰۰۰ نفر در ایران اعدام شده‌اند.

از این تعداد ۲۵۰۰ نفر در سال ۱۹۸۸ و در طی کمتر از چند ماه تیرباران شده‌اند، در ادامه این گزارش می‌خوانیم که تنها در سپتامبر اسال پیش از ۱۰۰ زندانی سیاسی در ایران به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند.



این خبر دردناک در روزنامه کیهان دولتی (مورخه ۳۰ آبان ۶۹) انعکاس یافته است. یکی از شاهدان این رویداد دلخراش در این باره می‌گوید: "حدود ۱۵ نفر در صف اتوبوس ایستاده بودند که يك مرتبه ایس ماشین (تویوتای پاسداران) از راه رسید، دیگر چیزی نفهیم صدای جیغ و هاد زن و مرد بود که به گوش میرسید. من پیکر خون آلود ۳ نفر را دیدم که وضع وخیمی داشتند و از دهان و وگوش آنان خون می‌آمد و توسط مردم به بیمارستان انتقال یافتند."

این عمل مقارن ساعت ۱۱ صبح روز ۲۹ آبان رخ داده است و به گزارش کیهان دولتی از محل وقوع این رویداد، "در کنار خیابان خون زیادی ریخته بود تعدادی از مردم متأثر از این حادثه در کنار خودرو - اجتماع کرده بودند. اسباب و لوازم مسافران در محل دیده می‌شود و مقناری گفش نیز در اطراف افتاده بود." نیروهای امنیتی رژیم این جانیان حرفه‌ای، علاوه بر هولناکترین سرکوبهای وحشیانه‌ای که هر روز و هر ساعت بر زندگی و کار مردم تحت ستم ایران تحمیل کرده‌اند، قلد و سرسخت خود را صاحب اختیار هر چیز و هر کسی می‌پندارند.

بارها شنیده و یادیدیم که پاسداری در يك بگوومگو ساده با فردی باشلیک گولسای او را به قتل رسانده است و یا فلان مأمور امنیتی رژیم به سبب اختلافات شخصی‌اش با فردی او را با سلاح و ابزار قدرت دولتی به خاک سیاه نشانده است. علاوه بر اینها مردم هر روزه در خیابانها شاهدند کسه چگونه نیروهای سرکوبگر و امنیتی رژیم بی‌توجه به مقررات رانندگی و جان عابری با موتورسیکلتها و انواع و اقسام خودروهای دولتی، جلوی آنان ویراز می‌روند تا قدر قدرتی خود را هر روز به مردم گوشزد نمایند.

اجداد جو رعب و وحشت و قدر قدرتی نیروهای سرکوبگر، خود یکی از - شکردها و ابزار رژیمهای دیکتاتوری است. به همین سبب به رویدادهایی از این قبیل نباید صرفاً "به عنوان يك حادثه نگرست، بلکه نتیجه و شکل مادیت یافته چنین شیوه حکومتی‌ای است و مسئول مستقیم این جنایات رژیم جمهوری اسلامی است."

مأمور حراست شهرداری ارباب رجوع را کشت

بنا به خبر کیهان دولتی مورخه ۱۷ آذر ۶۹، فردی به نام عبدالله کشاورز که جهت انجام کاری روز ۱۴ آذر به شهرداری منطقه ۱۹ تهران مراجعه کرده و خواهان ملاقات شهردار منطقه بود، با مخالفت رئیس دفتر شهرداری روبرو گشته و به او اجازه ملاقات داده نمی‌شود. ارباب رجوع برای دیدار شهردار اصرار می‌کند، رئیس دفتر شهردار مأمور

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

یخبندان آنها را در خیابانها رها می‌کند. علاوه بر این از نیروی پلیس برای متفرق کردن این انسانهای دردمند و وادار ساختنشان به بازگشت به هالبر اشتات بهره می‌جویند. البته ناگفته نماند که ادارهٔ سوسیال چندان هم نسبت به این پناهجویان کم لطف نبوده چرا که برای بازگشت آنها، اتوبوسی به مقصد هالبر اشتات آماده نموده است !!

ترجمه و تلخیصی خبر از روزنامه تاکی تاسیتونگ تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۰

خطر استرداد يك ایرانی از آلمان

بنا به خبر روزنامه تاتس (۹۰/۱۲/۵)، مسئولین ادارهٔ -

خارجیان ویسبادن اجازهٔ اقامت يك ایرانی ۳۱ ساله را تمدید نکردند و از وی خواستند ظرف مدت ۶ هفته خاک آلمان را ترك كند.

نماینده حزب سبزها از " پلوت نیتس" در مجلس ویسبادن ضمن اعتراضی به این روش مأموران اداره خارجیان، این عمل را " تیرداد پرستی اداری آلمان" نامید.

در مقابل آقای " دیل" شهردار از حزب CDU اخراج فسرده

منکور را (با این استدلال که وی از سال ۱۹۲۷ در آلمان اقامت داشته و در رشته مهندسی ساختمان در این کشور تحصیل نموده و دورهٔ تخصصی خود را به پایان رسانده است و اینک بایستی از تخصصی خود برای کشورش استفاده کند) اصولی نامید، وی ضمن دفاع از اخراج این مهاجر، تصمیم فوق را غیر قابل تغییر دانست.

هم اکنون بر طبق خبر فوق، جوان ایرانی بر علیه تصمیم

ادارهٔ خارجیان به دادگاه شکایت کرده است.

یونان : اشغال مدارس بوسیلهٔ دانش آموزان

دی تاکی تاسیتونگ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۰

در هفته دوم ماه دسامبر، دانش آموزان دوره متوسطهٔ یونان، ۷۰ درصد مدارس این کشور را اشغال نمودند. محرک این اعتراضات، قواعد جدیدی میباشد که بتازگی از طرف وزارت آموزش و پرورش یونان به تصویب رسیده است. مطابق با این قانون، معلمان موظف میشوند تا رفتار و ظاهر دانش آموزان (حتی خارج از محیط مدرسه) را در نمره‌های دانش آموزان دخالت دهند.

علاوه بر این، اختصاصی بودجه نا کافی برای مدارس که با خود کمبود سوخت برای گرم کردن کلاسهای درس در زمستان، حذف امکانات آزمایشگاهها

امنیتی در این گزارش تصریح می‌کند که تنها انتقاد به سیاست رژیم ایران در مورد نقض حقوق بشر و سلب آزادیها از طرف اشخاص منجر به دستگیری و شکنجه آنان می‌گردد، و زندانیان هیچ امکانشی برای آوردن شاهد جهت بهبود پروندهٔ خود و یا تقاضای تجدید نظر در احکام صادره، ندارند. سازمان عفو بین الملل در این گزارش همچنین به عدم امنیت جانی ایرانیان در تبعید، خطر ترور آنها و همچنین موج تروهای جمهوری اسلامی در خارج از کشور اشاره نموده است.

این گزارش در شرایطی منتشر می‌گردد که اسم رژیم جمهوری اسلامی از لیست دولتهای تروریست حذف شده و به موازات آن در بسیاری از - کشورها استرداد پناهندههای ایرانی به عمل در آمده است. در آلمان نیز با به اجرا در آمدن قانون خارجیا از آغاز سال ۱۹۹۱، دیگر هیچ گونه محدودیتی برای پس فرستادن پناهندگانی که تقاضای پناهندگیشان در این کشور رد شده است، وجود نخواهد داشت. بر ماست که با استناد به این گزارش و یا گزارشهای مشابه مبنی بر سلب ابتدائیترین حقوق انسانی در ایران به تصمیمات اخیر دولتهای اروپایی و از جمله دولت آلمان جهت استرداد پناهندگان به دولت ایران، به مبارزای متشکل دست بزنیم.

اسکان دادن پناهجویان در محوطهٔ نظامی بدون تأمین حداقلهای ضروری برای زندگی

حدود ۱۰۰ نفر پناهجو که اکثریت آنان از اهالی کشور غنا میباشد، در روز شنبه ۱۸ دسامبر از شهر شوالباخ در استان هسن به هالبر اشتات در استان زاکسن آنهالت (از ایالتهای آلمانشرقی سابق) تقسیم و در ساختنهایی که قبلاً محل اطراق ارتش هنگام تمرینات نظامی بوده است، اسکان داده می‌شوند.

این محل فاقد حداقلترین امکانات زندگی مانند برق، امکانات گرم کننده (مانند شوفاژ و...)، غذای کافی و نیز امکانات بهداشتی بودمست.

از اینرو پناهجویان آن محل را ترك کرده و با قطار به شهر شوالباخ محل سابق زندگی خود باز می‌گردند. مسئولین ادارهٔ سوسیال با این استدلال که " با تقسیم آنها از این شهر، دیگر امور آنها به ما مربوط نمی‌شود"، نه تنها گامی در جهت رسیدگی به مشکلات این پناهجویان بر نمی‌دارند، بلکه با غیر انسانی ترین شکل ممکن با آنها رفتار می‌کنند. آنها را بدون هایم سابقشان راه نمی‌دهند و با وجودیکه در میان این پناهجویان زن حامله و بچه‌های کوچک نیز وجود داشتند، از دادن غذا و یا نوشیدنی به آنها خودداری می‌ورزند و در این سرمای سخت و

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

معدن به طور زودرس بازنشسته شده و یا در آینده نزدیک بازنشسته می‌شوند، برای ایشان عواقب زیان باری در بردارد.

بنا به گزارش اتحادیه معدن در واکش به این تصمیم وزیردارایی آلمان، ۳۳ هزار تن از کارگران معدن در یک آکسیون اعتراضی شرکت نموده و خواستار عدم کاهش بیمه‌های بازنشستگی شدند. معدنچیان همچنین مبارزه برای خواست افزایش ۸/۵ درصد اضافه دستمزد را نیز در پیش دارند.



برنامه‌های تسلیحاتی ناتو همچنان در حال گسترش است

به موازات مذاکرات دول آمریکا، شوروی و اروپای غربی جهت ایجاد مناسبات و نحوه تقسیم جدید جهان، دولت‌های عضو پیمان ناتو همچنان بر سیاست‌های میلیتاریستی و مدرنیزه کردن تجهیزات نظامی خود با فشاری می‌کنند.

چنانکه وزرای دفاع دولت‌های عضو ناتو، در اجلاس پائیزه خود که در بروکسل بوقوع پیوست، مدرنیزه کردن و استمرار تولید سلاح‌های اتمی و غیر اتمی پیشرفته خود را مورد تأیید قرار دادند.

طرح ساخت و تکمیل موشک‌های اتمی با برد کوتاه، موشک‌های اتمی ضد هوایی (TASM)، بمب‌های جدیدی که اکنون در آمریکا، انگلیس و فرانسه در دست ساخت و تکمیل می‌باشند و ... همچنان دنبال می‌شود.

وزرای دفاع ناتو در پاسخ به این سوال که با توجه به تحولات اخیر جهانی چه ضرورتی به ادامه ساخت این سلاح‌ها و میلیتاریزه کردن اروپای غربی وجود دارد، چنین پاسخ دادند:

" بحران سیاسی و اقتصادی در شوروی و کشورهای اروپای شرقی ما را به بی‌گیری چنین سیاستی وامی‌دارد."

و سایر ورزشی را آورده است و همچنین خصوصی کردن آموزش و تحصیل دانشگاهی، عوامل دیگری بودند که خشم و اعتراضات دانش‌آموزان را شعله‌ورتر ساختند.

۱۵۰۰۰ دانش‌آموز معترضی در هفته گذشته، خواسته‌های خود را به شرح زیر به وزیر آموزش یونان ارائه دادند. بودجه بیشتر برای مدارس، پایان دادن به خصوصی کردن دانشگاه‌ها و پس گرفتن کامل قواعد جدید.



رفع ممنوعیت کار شبانه زنان تعرض به حقوق آنهاست

سازمان بین‌المللی کار (ILO) در هفتاد و هفتمین اجلاس خود، ممنوعیت کار شبانه برای زنان را لغو نمود. در این اجلاس، هیئت‌نماینگی آلمان فدرال از جمله هیئت‌هایی بود که بر روی رفع ممنوعیت کار شبانه زنان تأکید داشت و جالب اینجاست که این خواسته خود را تحت لوای تساوی حقوق زنان با مردان مطرح می‌نمود. با رفع این ممنوعیت از این پس زنان تنها ۸ هفته قبل و ۶ هفته بعد از زایمان می‌توانند در شیفت شب کار نکنند.

لازم به تذکر است که قبلاً به جز شاخه‌های بهداشت و خدمات (مانند بیمارستانها و خدمات پست و ...) قانوناً در سایر شاخه‌ها کار زنان منع شده بود و این به عنوان یکی از دستاوردهای دموکراتیک زنان محسوب می‌شد.



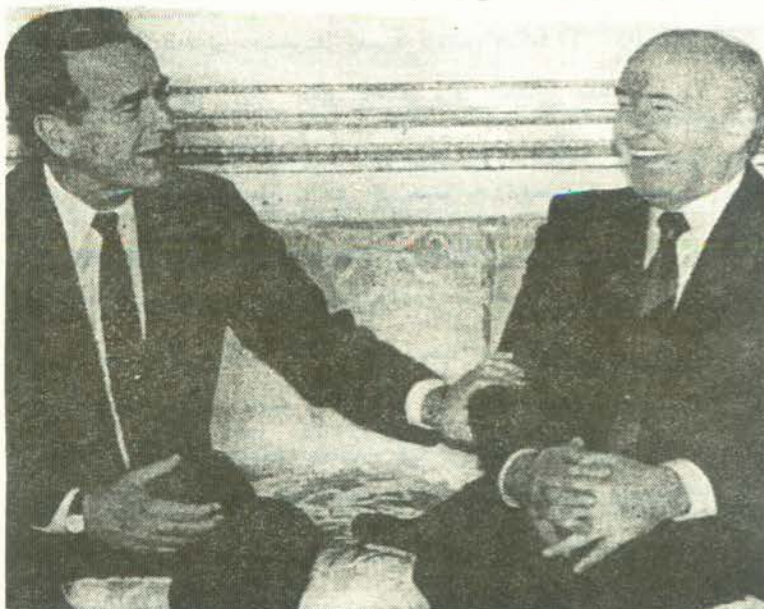
آمریکا صادر کننده سلاح شیمیایی به عراق

بنا به گزارش روزنامه تاتس مورخه ۸ سپتامبر ۹۰، با موافقت وزارت بازرگانی آمریکا، شرکت‌های آمریکایی، بیش از ۲۰ مورد موادی جهت تولید سلاح‌های شیمیایی به دولت عراق فروختند. این مطلب را تدیاکوبز "Ted Jakobs" مشاور کمیسیون تجارت کنگره آمریکا در روز ۶ نوامبر ۹۰ اعلام کرده است. بنا به این گزارش، شرکت‌های آمریکایی از صدور این مواد خطرناک ۲۰۰ میلیون دلار از اکتبر ۱۹۸۷ به بعد سود بردند.



۳۳ هزار معدنچی با کاهش بیمه بازنشستگی مخالفت کردند

هفته نامه Rote Fahne مورخ ۱۹۹۰/۱۲/۲۲ خبر می‌دهد که وایگل وزیر دارایی آلمان قصد دارد بخشی از کمک هزینه دولت برای بیمه بازنشستگی معدنچیان را حذف نماید. کاهش این کمک هزینه، بویژه در شرایط حاضر که هزاران تن از کارگران



پای صحبت یک زن کارگر

سافرت و اتوموبیل تنها با قرنی و قوله جور می‌شوند. بعد هم همگی برای پرداخت قروضشان ناچار به اضافکاری و ... هستند. بگنار در مورد زنان اینرا تصریح کم که برای آنها هنوز با ۸ ساعت کار روزانه، کار به پایان نرسیده است. چرا که بعد از کار روزانه عملاً نوبت به شیفت دوم میرسد، برای زنان بچهار، که عموماً همکاران ترک ما از آن جملاند، مسئله کار در خانه رسیدگی به بچه‌ها و غیره در دستور قرار می‌گیرد. زنان مجرد نیز تقریباً همگی شغل دومی‌دارند. آنها برای ۲ یا ۳ ساعت به عنوان نظافتچی کار میکنند تا بتوانند ماهیانه ۴۲۰ ماری را که به آن مالیات تعلق نمی‌گیرد به درآمد خود بیفزایند و به زخم زندگی بزنند.

از اینرو واضح است که این زنان مشکل بتوانند آرامش و فرصتی بدست آورند تا روزنامه یا حتی کتابی را مطالعه کنند، حال چه برسد به اینکه به لحاظ اجتماعی در یک سازمان یا اتحادیه‌ای فعالیت کنند. این موضوع برای سازمانهای جدید زنان همواره به عنوان یک معضل جدی مطرح است که چگونه می‌توان این زنان را که عملاً تحت فشاری مضاعف قرار دارند به سوی خود جلب نمایند. تأثیرات چنین مزد ناچیزی بر تمامی زندگی آدم سایه می‌اندازد، مثلاً وقتی تلویزیون یا ماشین لباسشویی خراب میشود، باید شخصاً سعی کی آنها را تعمیر کسی، چرا که تعمیر آنها خیلی گران تمام میشود. به همین دلیل من برای تعمیر وسایلم ناچارم ۲ یا ۳ بار به داخل مغازه‌ها بروم تا لوازم بیدکی مناسب را پیدا کنم. مشکلی که در این رابطه وجود دارد اینست که متأسفانه ما زنها آموزش فنی ندیده‌ایم. البته بعضی چیزها را فرا گرفتیم و لی نه بصورت صحیح و علمی آن، (در آمد پائین سرا ناچار میکند تا تصمیم خود را برای خریدن) هر کتابی و یا رفتن به هر جلسه سیاسی یا فرهنگی، ۳ بار مورد تعمق قرار دهم.

در کارخانه ما بحثهای سیاسی زیادی صورت می‌گیرد. من همواره سعی میکنم که با افراد به شکل جداگانه صحبت کنم. اسال بحثهای نسبتاً داعی تحت تاثیر موج ناسیونالیستی اخیر، محیط کارخانه را تحت الشعاع خود قرار داده بود. همکاران آلمانی هذیان گویی می‌کردند. اما بیک همکار اسپانیایی هم یکباره شروع به فحش دادن به پناهجویان رومانی کرد. اینجا تری از دست دادن شغل نقش بزرگی را بازی می‌کند. اما موضوعی که برای من عجیب است، چگونه یک فرد می‌تواند نظرات عقب مانده و مترقی را بنحو غیر قابل باوری در کنار هم داشته باشد. به عنوان مثال من شنیدم که چگونه یک همکار ترکم که همیشه می‌گوید که با سیاست سروکاری نمی‌خواهد داشته باشد، در گفتگویی با یک همکار اسپانیایی می‌گفت که شوری از مدتها پیش سوسیالیست نبوده است. ۵۵

مونیکا ۴۵ سال دارد به تنهایی با دختر ۱۶ ساله‌اش زندگی میکند، دو فرزند بزرگتر او، زندگی مستقلی ندارند. از ۵ سال پیش که مونیکا از شوهرش جدا شده، در یک کارخانه کوچک فلزکاری در نزدیکی کلن کار میکند. در این کارخانه ۴۰ کارگر مشغول بکارند که از این تعداد ۱۰ نفرشان زن هستند. وقتی که او از رسانه‌ها و ازهایی مانند "جامعه رفاه" و یا "غرب طلائی" (منظور کشور آلمان و سایر کشورهای اروپایی می‌باشند) را می‌شنود، از این لفاظی‌ها به خشم می‌آید. مونیکا با باز نمودن سفره دلش، بامن از واقعیت زندگی خود می‌گوید. "صبح زود ۲۰ دقیقه مانده به ۶، ساعت زنگ می‌زند، به حمام می‌روم و بعد صبحانه خود را آماده میکنم. سپس از پنجره به بیرون نگاه میکنم که ببینم هوا چطور است، چرا که من با دوجرخه سرکار می‌روم، (دوجرخه سواری آدم را سرحال می‌آورد، با دوجرخه تقریباً همانقدر در راهم که با اتوبوس و از همه مهمتر مخارج اتوبوس به این ترتیب صرفه جویی می‌شود) بعد دخترم را بیدار میکنم تا او به موقع به مدرسه‌اش برسد، ۱۰ دقیقه قبل از ساعت ۷ من در کارخانم و از همین لحظه جان کندن شروع میشود. اگر کارگری فقط ۱ دقیقه بعد از ساعت ۷ سرکار باشد، به اندازه یک ربع ساعت از حقوقش کم میشود. در محل کارم، اکثر کارگران متخصمی نیستند بلکه عمدتاً در محل کارخانه کار را فرا گرفتند. از اینرو هر کدام از ما، تقریباً همه جور کاری را انجام میدهم. اما کارهای پر درآمدتر را مردها بدست گرفتند، کار آنها قطعه کاری است. اگر بخواهم دستمزدهای قطعکاری را بر حسب ساعت بیان کنم، با قطعه کاری دستمزد ساعتی حدود ۱۲ تا ۱۵ ماریک میشود. ولی زنها برای ساعتی ۱۰ ماریک کار میکنند. بدنیت بدانید که زنهایی که تازه استخدام شدند هر ساعت ۹/۲۸ ماریک دریافت میکنند. البته همه این دستمزدها بصورت ناخالص هستند (لازم به ذکر است که حدوداً ۱/۳ حقوق ناخالص برای بیمه‌های اجتماعی، مالیات و ... کسر میگردد).

در این میان من کار مردان را مثل کار خودم یاد گرفتیم. البته زنی که مدت نسبتاً طولانی در این کارخانه کار کرده، عملاً با همه ماشین‌ها کار میکند و بر آنها سلطه می‌گذرد. اما علیرغم این واقعیت باز هم بین مردان و زنان تفاوت دستمزد وجود دارد. بعضی از مردها این تفاوت را با این توجیه که آنها باید مخارج یک خانواده را بر حقویشان تأمین کنند، بحق میدانند. گویا من مخارج یک خانواده را تأمین نمی‌کنم! برواقع همکاران مرد من هم می‌دانند که امور زندگی آنها نیز زمانی می‌گذرد که زنهایشان نیز شاغل باشند، حتی با این شرایط نیز باز خیلیا شیدنا" مقروضند.



بقیه از صفحه ۲۴

نامه های رسیده

- دوست عزیز، مهدی - م، نامتان را دریافت داشتیم. از اینکه ما را در جریان نظرتان درباره برخی از مطالب نشریه شماره ۱۲ پویش قرار داده بودید، از لطف شما ممنونیم.
- رفیق ب. ب، نامه شما را به همراه تصویب‌های ارسالی به مبلغ ۲۰ مارک دریافت داشتیم، از لطفتان متشکریم. میزان بدهیتان را جویا شده بودید به اطلاع می‌رسانیم بدون احتساب بها نشریات ارسالی، تنها هزینه پست نشریات برای شما (تا شماره ۱۲) برابر با مبلغ ۱۵ مارک می‌باشد. از اینرو با ارسال تصویب‌ها، در قبال هزینه پست نشریات بدهکار نیستید.
- رفیق عزیز که از ترکیه، هر دو نامه شما را دریافت داشتیم، از لطفتان بسیار سپاسگزاریم. از آموهای تشکلات پناهندگی و دمکراتیکی که از ما خواسته بودید، صرفاً آدرس یکی از آنها را در اختیار داریم که در نامه جداگانه‌ای آنرا برایتان خواهیم فرستاد. ضمن آرزوی موفقیت برای شما، خواهشمندیم ما را از دریافت نامه و نشریات ارسالی کسبه مستگی مطلع سازید. منتظر انتقادات، پیشنهادات و گزارشات شما هستیم.
- دوستان متشکل در کمیته موقت زنان علیه اعدام در ایران، نامه شما را دریافت داشتیم. از لطف شما بسیار سپاسگزاریم. از ما جویا شده بودید که در صورت نیاز به ماتریال و مطالب درباره نقض حقوق بشر در ایران آنها را در اختیار ما قرار خواهید داد. بسیار خرسند خواهیم شد که ماتریال فوق را برایمان ارسال دارید. □

که به‌ریخ از نیازمندیهای خود می‌گاهد تا امر مشترکان به پیش رود، به ما در حرکتان شوق، امید و گرمای فزونتری می‌بخشد.

○ رفقا و دوستان متشکل در کانون دمکراتیک پناهندگان و آوارگان ایرانی - ترکیه، نشریه "پناهنده" شماره ۲۳ را دریافت کردیم. از لطفتان ممنونیم.

○ دست اندرکاران نشریه کنگاش، نامه شما را دریافت کردیم، از لطف شما متشکریم. منتظر دفتر هفتم کنگاش هستیم و برایتان آرزوی موفقیت داریم.

○ رفقای متشکل در سازمان دانشجویان ایرانی - هلند، نامه شما را دریافت داشتیم، از لطف شما متشکریم. مطابق با درخواستان مرتبا "نشریه پویش" را برای شما خواهیم فرستاد. لازم به یاد آوری است در نامتان متذکر شده بودید که "قبلا" مبلغی رابه شماره حساب مندرج در پویش واریز نمودید. متأسفانه تاکنون چنین مبلغی به شماره حساب ما واریز نشده است. لطفاً کپی رسید حواله بانکی را برای ما بفرستید تا در این باره از مسئولین بانک درخواست پی‌گیری نمائیم.

○ رفقای دست اندرکار تهیه نشریه "Arbeiter Kurier"، شماره ۵ پیک کارگری را دریافت داشتیم. ضمن تشکر از لطف و توجه شما عزیزان برایتان آرزوی موفقیت داریم.

پای صحبت یک زن کارگر

بقیه از صفحه ۲۴

شوند. من مختصر و روشن می‌گویم که برای من وقت آزادم ارزشمند است تا با استفاده از آن بتوانم کتاب و روزنامه مطالعه کنم، و در - آسیاب خرد کننده کار روزانه خرد نشوم و چشم انداز خود را از دست ندهم. همکارانم (بخصوص زن‌ها) این را کاملاً قبول دارند، ولیکن شاید هنوز به بحث زیاد و نیز تجارب شخصی نیازمند باشند تا آنها نیز این چنین رفتار نمایند. □

مطالب بالا از هفته نامه ROTE FAHNE (۹۰/۱۱/۲۴) ترجمه شده است. جلات درون پرانتز از مترجم است و برای بیان گویاتر و یا توضیح مطلب نگاشته شده‌اند. □

در سال گذشته حتی ما اعتماب کوچکی را سازماندهی کردیم و قرار گذاشتیم بعد از تنفسها، ماشینها را دیگر به کار نیندازیم و مطالبه حقوق بیشتر و پول عیدی را مطرح کردیم. و از آنجا که همدیگر را می‌شناسیم، توانستیم مراقب این امر باشیم که متزلزلان قول و قرارمان را زیر پا نگذارند. اما هنوز هم خیلی از همکاران تلاش می‌کنند، مزدشان را نه با مطالبه افزایش حقوق بلکه با اضافه کاری و کار شبها بالا ببرند، من همیشه بر علیه این موضع استدلال می‌کنم و توضیح میدهم که ما باید خواستار افزایش حقوق باشیم، و اگر ما اضافکاری نکنیم چنین امکانی وجود خواهد داشت تا بیکاران بیشتری به کار گمارده



نامه های رسیده

رفقا و دوستان متشکل در جمعیت پناهندگان و آوارگان ایرانی - ترکیه،

نامه و نشریه "اتحاد" شماره ۶ شما را دریافت داشتیم. از لطف شما بسیار سپاسگزاریم.

از طرف کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران تاکنون چندین نامه و همچنین شماره‌های نشریه پویش به آدرس شما ارسال شده است. اما شما در نامه‌های ارسالی‌تان به کمیته، نگری از دریافت آن نامه‌ها و یا نشریات ننموده‌اید، از اینرو اطمینان نداریم که آنها بدست شما رسیده‌اند. خواهشمندیم در صورت دریافت نامه و نشریات، سریعاً ما را مطلع سازید.

رفیق عزیز محمود از سوئیس نامه غنی و صمیمانه شما را دریافت کردیم. اطلاعات مفیدی که درباره شرایط عمومی تشکلهای پناهندگی محل اقامتتان و همچنین بخشی از شرایط پناهندگان اتریش نگاشته بودید، جالب توجه و روشنگر بودند.

با تشکر فراوان از شما، منتظر دریافت آدرس ارتباطی با پناهندگان اتریش هستیم. امیدواریم مانند همیشه در روند کار و ارتقاء کمی و کیفی پراوتیک آیندهمان از مطالب و نظرات شما بهره‌مند گردیم.

رفیق کرامی از کلن، مبلغ ۵۰ مارک کله مالی شما را دریافت داشتیم. از لطف و توجه شما کمال سپاسگزاری را داریم. محبت عزیزانی مانند شما

بقیه در صفحه ۲۳

رفقای متشکل در انجمن دانشجویان و دانش آموزان ایرانی شهر برانشوایک، مبلغ ۵۵۰ مارک که به حساب بانکی کمیته واریز کرده بودید، بدستمان رسید. ضمن سپاس فراوان از همکاری و کمکهای بی دریغ‌تان، چه در جهت توزیع نشریه پویش و چه کمکهای مالی، امیدواریم پیروسه رابطه‌مان همچنان از استحکام و دوام بیشتری برخوردار گشته و شکوفاتر گردد. همچنین در همین راستا از شما انتظار داریم با انتقادات، پیشنهادات، ارسال مقالات و ترجمه مطالب، ما را در جهت دست یابی به راه‌های موثرتر و روشنتری در روند پراوتیک آیندهمان یاور باشید.

رفیق عزیز از روسلز هایم، نامتان را دریافت کردیم، ضمن تشکر مجدد از شما، همانگونه که در این شماره پویش ملاحظه می‌کنید، از یکی از مطالب ارسالی‌تان سود جستگایم. امیدواریم رابطه و پراوتیک مشترکان از غنا و وسعت بیشتری برخوردار گردد.

دوست کرامی از اسپانیا، نامه شما به همراه مطالب و ترجمه‌های بسیار مفیدی که برای درج در نشریه پویش فرستاده بودید، بدست ما رسید. ضمن قدردانی از احساس مسئولیتتان، امیدواریم همواره مانند این شماره نشریه، از همکاری شما در جهت غنا بخشیدن به مطالب پویش بهره‌مند گردیم. بهروزی و کامیابی شما آرزوی ماست.

با پویش

همکاری کنید

Solidaritaetsverein mit
iran ischen Voelkern
Postfach 5311
3000 Hannover 1
Germany

شماره حساب بانکی
Solidaritaetsverein
mit iranischen Voelkern
Stadtparkasse Hannover
KTO : 501336
BLZ : 25050180
W - Germany

زنلانی سیاسی آزاد باید کرد